

قواعد ناب در تعبیر خواب

آموزش تعبیر خواب با مثال‌های واقعی در گذشته و حال

تألیف:

عبدالله السدحان

ترجمه:

إسحاق دبیری رحمته

عنوان کتاب:	قواعد ناب در تعبیر خواب
عنوان اصلی:	القواعد الحسنی فی تأویل الرؤی
تألیف:	عبدالله السدحان
ترجمه:	إسحاق دبیری
موضوع:	آداب و تربیت (دعوت، گفتگو، زندگی، تعبیرخواب، جشن و سوگواری و...)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه ۱

مقدمه‌ی دانشمند بزرگوار دکتر عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین ۱

مقدمه‌ی دانشمند بزرگ شیخ: عبدالله بن سلیمان المنیع ۱

مقدمه‌ی مؤلف ۵

پیشگفتار ۹

اهمیت بحث رؤیا: ۹

ارزش رؤیا و اهمیت آن در اسلام: ۱۰

۱- فائده رؤیا هموارکننده راه وحی است: ۱۰

۲- فائده رؤیا دلیل بر غیب و آخرت است: ۱۲

۳- فائده و سود عظیمی که از رؤیا حاصل می‌شود: ۱۲

عوامل تکرار شدن رؤیا: ۱۴

باب اول: چند مقدمه قبل از تأویل ۱۷

انواع رؤیا: ۱۷

۱- کلام فرشته: ۱۷

۲- کلام شیطان: ۱۷

۳- کلام نفس: ۱۷

و معتبرین به پنج نوع تقسیم می‌شوند: ۱۸

قاعده کلی صحیح شرعی در تأویل خواب چیست؟ ۱۹

حقیقت رؤیا: ۲۰

- ۲۰ روش علمی در تعبیر خواب
- ۲۱ تذکرات مهم:
- ۲۲ * حدود رؤیا:
- ۲۲ * خواب و شیطان:
- ۲۳ آداب رؤیای صالحه.
- ۲۳ آداب رؤیای ناخوشایند.

باب دوم: قواعد تأویل رؤیا

- ۲۵ قاعده اول: رؤیا یک نتیجه ظاهری است.
- ۲۵ نمونه:
- ۲۶ قاعده دوم: آنچه در مورد دارالحق می آید غالباً با وجود قرائن حق است
- ۲۶ قاعده سوم: هر رؤیای مرموزی بوسیله ضدش تعبیر می شود جز رؤیاهایی که به دلالت قرآن و سنت تعبیر می شوند یا رؤیای های که به قیامت مرتبط هستند و یا رؤیاهای که عمومی می باشند.
- ۲۶ ۲۷ أمثله:
- ۲۷ قاعده چهارم: اصول رؤیای رمزی حول سه چیز دور می زند: «جنس، صنف و طبع»
- ۲۸ ۲۹ جدولی از اصول رؤیای رمزی.
- ۲۹ قاعده پنجم: نکته اساسی و قابل توجه در تأویل کلمه، معنای متحرک آن است نه نص ثابت
- ۲۹ ۳۱ قاعده ششم: تعبیر خواب صورت نمی گیرد مگر بوسیله دو امر.
- ۳۱ قاعده هفتم: رؤیای صادقانه صحبت فرشته است و او دروغ نمی گوید.
- ۳۲ مراتب نفس

- قاعده هشتم: خوابی که ارتباط مستقیم با دنیای واقعی داشته باشد، مورد اعتماد نیست بلکه از گفتگوی نفسانی محسوب می‌شود. مادامیکه بعد از دعا، استخاره و استشاره، حاصل نشده باشد ۳۲
- قاعده نهم: خوابی که در بیداری به یاد نمی‌آید خیری در آن نیست مادامیکه قرینه‌ای در عالم واقع آن را به یاد نیاورد ۳۳
- قاعده دهم: رؤیای که با ترس و خوف همراه است، اصل در تعبیر آن، آسان‌گیری و بشارت است. ۳۳
- قاعده یازدهم: تعبیر، قیاس و تشبیه و ظنّ است نه قطع و یقین ۳۴
- قاعده دوازدهم: هر اثر دردناکی بعد از رؤیا در بیداری نشانه شروع آسیب از طریق چشم است. ۳۵
- قاعده سیزدهم: رؤیا رازی است که خداوند بوسیله فرشته نزد بیننده خواب بودیعه می‌گذارد ۳۵
- قاعده چهاردهم: هر رؤیا دو معنی دارد ۳۶
- قاعده پانزدهم: رؤیا مؤمن را مسرور می‌کند نه مغرور ۳۸
- قاعده شانزدهم: رؤیا بر حسب اختلاف شکل و ظاهر انسان‌ها و قدر منزلت آنها تغییر می‌کند ۳۸
- قاعده هفدهم: هر خوابی که براساس اصول معتبر تعبیر شده باشد، کامل است و بوسیله تعبیر دیگری نقض نمی‌شود: ۳۹
- قاعده هجدهم: کسی که خوابش را تعبیر نمی‌کند از تبعات آن سالم نمی‌ماند تا اینکه تعبیر کند یا خیر آن را از خداوند مسألت نماید ۴۰
- قاعده نوزدهم: تعبیر خواب دعائی است بیمه شده از جانب فرشته ۴۱
- قاعده بیستم: رؤیا واقعه‌ی متکاملی است که تجزیه کردن، به آن ضرر می‌رساند ۴۱

- قاعده بیست و یکم: گناه کسی که در بازگو کردن خوابش دروغ گوید..... ۴۲
- قاعده بیست و دوم: چیزی که عقلاً محال است، ممکن است در خواب روی دهد از دو طریق:..... ۴۳
- قاعده بیست و سوم: صادق‌ترین مردم در رؤیا صادق‌ترین آنهاست در گفتگو ۴۴
- قاعده بیست و چهارم: رؤیا صفتی است غیبی که در آینده آشکار می‌شود نه صفتی که در حال، تأثیرگذار باشد..... ۴۴
- قاعده بیست و پنجم: واقع‌شدن تعبیر خواب ضرورتاً بر ثبوت وصف تعبیر یا صحت و توانائی معبر دلالت نمی‌کند..... ۴۴
- قاعده بیست و ششم: اگر خوابی که تعبیر آن واقع شده است تکرار گردید از چهار حالت زیر خالی نیست..... ۴۵
- قاعده بیست و هفتم: غالباً رؤیای بد زود واقع می‌شود و رؤیای نیک دیر:.... ۴۵
- قاعده بیست و هشتم: رؤیای که مانند؛ سپیده صبح آشکار شود نیاز به تعبیر ندارد..... ۴۶
- قاعده بیست و نهم: رؤیا عامه است..... ۴۷
- قاعده سی‌ام: هر خوابی که تأویل آن به دلیل وجود رمزهای متضاد مشکل گردد، بر رمز واضح آن اعتماد می‌شود..... ۴۸
- قاعده سی و یکم: هرگاه در خواب مباشر و مسبب و ساکت جمع شدند حکم همه آنها یکی است مخصوصاً در مسأله زخم چشم..... ۴۹
- قاعده سی و دوم: تمام مثل‌های قرآن کریم و سنت نبوی اصول علم تعبیر هستند..... ۵۰
- قاعده سی و سوم: قرینه خواب تکیه‌گاه تعبیر است..... ۵۲
- قاعده سی و چهارم: بیننده خواب سزاوارتر است نسبت به خواب خود..... ۵۴

قاعده سی و پنجم: توافق جمعی بر یک رؤیا غالباً دلیل بر صحت آن است	
مادامیکه مخالف شریعت نباشد.....	۵۵
قاعده سی و هشتم: مخالفت رؤیا با شریعت، دلیل واضح بر بطلان آن است .	۵۵
قاعده سی و هفتم: دلالات ارقام در احلام حجت است	۵۵
قاعده سی و هشتم: هر عصری تعبیر مخصوص به خود دارد و تعبیر بر حسب	
عصر و زمان صورت می گیرد:	۵۷
قاعده سی و نهم: نکته قابل توجه در رؤیا، روش شما در تعبیر آنست، نه در بازگو	
کردن رؤیا.....	۵۷
قاعده چهلم: تعبیر خواب از باب فتوی است	۵۸
باب سوّم: رویدادها	
حوادث گذشته:	۵۹
مثال اول:	۵۹
مثال دوم:	۶۰
مثال سوم:	۶۱
مثال چهارم:	۶۳
مثال پنجم:	۶۳
رویدادهای معاصر	
مثال اول:	۶۴
مثال دوم:	۶۵
مثال سوم:	۶۶
مثال چهارم:	۶۸
مثال پنجم:	۶۹
پایان	
	۷۱

مقدمه

مقدمه‌ی دانشمند بزرگوار دکتر عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

الحمد لله وحده وصلى الله وسلم على محمد وآله وصحبه، وبعد:

کتابی را که برادر عبدالله بن محمد السدحان نوشته است، خواندم.

خداوند متعال او را توفیق دهد و به راه راست هدایتش کند که براستی کار نیکی انجام داده و فائده رسانده و بر مراد دست یازیده است. و چیزهای زیادی را که به خواب و رؤیا تعلق دارد توضیح داده و کیفیت تعبیر و آنچه که معبرین در تعبیر آن موفق شده‌اند، و راه‌های شناخت آنان به تعبیر خواب و آنچه را که معبر حق دخالت در آن ندارد، بیان کرده است. و واقعاً نویسنده از سر دانش و لیاقت از عهده مطلبی که انتخاب کرده برآمده است، و به بسیاری از اهل خواب و رؤیا، و به بسیاری از معبرینی که در این عصر و زمان زیاد شده‌اند، برخی اصابت می‌کنند و بیشتر به خطا می‌روند فائده رسانیده است. چون تعبیر همچنانکه نویسنده ذکر است بر اجتهاد و نظر و دقت فکر اعتماد دارد.

والله أعلم. وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم

نویسنده: عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

مقدمه‌ی دانشمند بزرگ شیخ: عبدالله بن سلیمان المنیع

الحمد لله عالم الغيب والشهادة يختص من يشاء من خلقه بفضله وكرمه وإلهامه. أحمده وأشكره وأثني عليه بما هو أهله وبما هو حق قدره وأشهد أن لا إله

إِلَّا اللَّهَ وَحده لا شريك له وأشهد أنّ محمداً عبده ورسوله ﷺ وأصحابه أجمعين
وبعد:

بخت یارم بود که بر مقاله گرانقدر جناب شیخ عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن
السدحان به عنوان «القواعد الحسنی فی تأویل الرؤی» اطلاع یافتیم که شامل چهل
قاعده کلی در تعبیر خواب و مجموعه‌ای از مثال‌ها می‌باشد که بر صحت این قواعد
و بر نیاز مبرم به آنها از جانب کسانی که خداوند متعال نعمت فقه تأویل و تفسیر
خواب را به آنها بخشیده است، تأکید می‌کند.

در این مقاله تفکر نمودم و آن را بر آمده از مهمترین مصادر تشریح یعنی؛ کتاب
و سنت یافتیم و مایه گرفته از نظر و آرای انبیاء و رسل خدا نسبت به تفسیر و تأویل
خواب و اینکه خواب را جزئی از وحی قلمداد کرده‌اند، دیدم و آن را موافق نظر
سلف صالح همچون ابن سیرین و غیر او که در مورد تعبیر و تفسیر خواب دارند،
یافتیم.

واقعاً شیخ عبدالله در کتاب ارزشمندش در راه سلف گام برداشته است به دور از
زیاده‌روی و کوتاهی در تأویل «بدون اینکه از حد اعتدال تجاوز کند» و به دور از
آنچه که برخی از مدعیان علم از بدعت‌گذارها و متصوفه و مدعیان علم بر جهان
هستی و علم بر مکان‌های حوادث ادعا می‌کنند.

کتابی است گرفته‌شده از منابع تشریح و از شیوه و روش پیامبرمان حضرت
محمد ﷺ در تأویل و تعبیر خواب و رؤیا. هیچ زیاده‌روی، کوتاهی و غلوی را در
این مسلک الهامی از جانب رب العالمین انجام نداده است.

و مؤلف آن، شیخ عبدالله السدحان دارای عقیده سلفی است که از هر گونه
بدعت، ترهات، چرندیات، اشتباهات و ادعاعات پوچ و باطل بری است. او
شخصیت دانشمند، صالح، با تقوا، معتدل و دارای گرایش سالم و در قول، عقیده و
عمل به سنت محمد مصطفی ﷺ ملتزم است.

بی شک این کتاب گرانها چراغی خواهد شد برای هرکس که وارد میدان تفسیر و تعبیر خواب می شود و از نور آن بهره مند می گردد.

تا قواعد و اصول آن نقطه آغاز تأویل و تغذیه الهام و دروازه ورود به علم تأویل و تفسیر خواب واقع شود.

بی شک این کتاب گرانقدر از مهمترین مراجع علمی در علم تفسیر و تعبیر خواب خواهد شد. من کتاب مستقلی را در قواعد تعبیر خواب جز این کتاب نمی شناسم. پس این کتاب پیش افتاده مبارک، گردآورنده ای پراکندگی های یک علم، ساز و برگ کسی که در تأویل و تعبیر خواب استعداد دارد و تصحیح کننده ی راه و روش کسی است که بدون دلیل وارد این علم می شود. از خداوند متعال مسألت می نمایم که این کتاب را در ترازوی حسنات مؤلفش قرار دهد و عملش را برای خود خالص گرداند که او پشتیبان و مددکار است.

به قلم / عبدالله بن سلیمان المنیع

مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين نبينا
محمد وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد:

قبل از شروع به تألیف این کتاب «القواعد الحسنى في تأويل الرؤى» مدتی
زیادی تردید داشتم به خاطر عظمت شأن و منزلت رؤیا، و هم به خاطر اینکه
معتبرین بسیاری در این اواخر با اجتهادات مختلف به آن پرداخته بودند. اما بعد از
استخاره با خدا و مشورت با علمای بزرگوار و تشویق آنها تصمیم گرفتم که به این
موضوع مستقلاً را به آن اختصاص داده‌اند و پیامبر ﷺ به آن اهتمام ورزیده و بر آن
حریص بوده‌اند. هرگاه رسول الله ﷺ از نماز صبح فارغ می‌شد، رو به اصحاب
کرده و می‌فرمود: «هل رأى أحدٌ منكم البارحة رؤياً». [البخاری، ۴۵۷/۱۲].
«آیا کسی از شما شب گذشته خوابی دیده است».

یا می‌فرمود: «من رأى منكم رؤياً فليقصها أعربها له». [مسلم: ۱۵/۳۵].
«هرکس از شما خواب دیده بازگوید تا برایش تعبیر کنم».

حرص پیامبر ﷺ بر این مسأله در حالیکه وحی بر وی نازل می‌شد دلالت
می‌کند بر اینکه تعبیر خواب در عصر ما به دلیل قطع وحی و نیاز ما به پیام‌های
نویددهنده. از اهمیت بالاتری برخوردار است. ابودرداء رضی الله عنه گفته است: از رسول
خدا ﷺ در مورد این آیه سؤال کردم که خداوند می‌فرماید: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾

[یونس: ۶۴].

«در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور)ند؛ وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ».

پیامبر ﷺ فرمود: «از روزی که این آیه نازل شده کسی جز تو در مورد آن از من سؤال نکرده است. منظور از بُشری در آیه، رؤیای صالحه‌ای است که آدم خودش می‌بیند یا به خواب دیده می‌شود». [سنن ترمذی، ۲۲۷۳، ترمذی می‌گوید: حدیث حسن است. و آلبانی می‌گوید: صحیح است. «الصحيحه (۱۷۸۶)» و این حدیث از عبادة بن الصامت رضی الله عنه نیز با الفاظ دیگر در سنن ترمذی، (۲۲۷۵) روایت شده است]. و پیامبر ﷺ فرمود: «لم يبق من النبوه إلاّ المبشرات». «از نبوت جز مبشرات چیزی باقی نمانده است. عرض کردند مبشرات چیست؟ فرمود: «رؤیای صالحه است». [صحیح بخاری، ۶۹۹۰، صحیح مسلم، ۶۹۹۰ به روایت ابن عباس رضی الله عنهما].

و فرمود: «هرگاه آخر زمان نزدیک شد تقریباً خواب مسلمان دروغ از آب در نمی‌آید». [البخاری، (الجامع ۷۰۱۷) و مسلم، (المسند ۲۲۶۳)].
به همان اندازه که خواب اهمیت زیادی دارد، به وجود آوردن تعبیرکنندگان متخصصینی نیز از اهمیّت بالای برخوردار است.

متخصصینی که رمز و راز رؤیایها را باز کنند، و بر درک و فهم آن رموز و گردآوری عناصر آن، توانائی داشته باشند، و بتوانند خواب را با دنیای واقعی بیننده خواب ربط دهند تا معنی کلی خواب درک گردد، به اضافه‌ی شناختی که بتواند تمام رموز سابق را در برگیرد و آن را به دنیای حاضر پیوند دهد، و همچنین این متخصصین نیاز دارند به اینکه خود را از موانع تعبیر و قید و بند روش معبرین رها سازند، و این امر می‌طلبد که تعبیر خواب از زوایای مختلف، و در خلال معانی جدید که قبلاً به کار گرفته نشده، بررسی شود تا این روش بحث، متخصص را به تصحیح و مرتّب کردن رؤیا رهنمون شود که با حقیقت زندگی ما سازگاری داشته، و

با احکام شرعی مخالفت نداشته باشد و این، به هیچ وجه به معنای دعوت به خروج از اقوال معبرین گذشته نیست، بلکه دعوت به نوآوری در روش‌های است که کسانی که در علم تعبیر از ما پیشی گرفته‌اند، به آن دسترسی پیدا نکرده‌اند. کسانی که مناسب با زمان و مکان و واقع زندگی خودشان اجتهاد کرده‌اند.

بنابراین تمنا دارم که هیچکس در طعن به گرایش این کتاب شتاب نکند. و به بهانه‌ی اینکه مخالف با چیزی است که بر عموم حاکم است، استفاده از آن را ترک ننماید. چون حکمت گم شده مؤمن است و فقط حق، شایستگی تبعیت دارد. آفرین بر این گوینده که می‌گوید:

وَلَسْتُ بِنَاجٍ مِّنْ مَّقَالَةِ طَاعِنٍ وَلَوْ كُنْتُ فِي غَارٍ عَلَىٰ جَبَلٍ وَعِرٍ
وَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْجُو مِنَ النَّاسِ سَالِمًا وَلَوْ غَابَ عَنْهُمْ بَيْنَ خَافِيَتَيْ نَسْرِ-

از زخم زبان بدگویان نجات پیدا نخواهم کرد، ولو اینکه در غاری در کوه صعب العبور سکنی گزینم. چه کس از «دست و زبان» مردم خلاصی می‌یابد، ولو اینکه خود را در بین بال‌های کرکس مخفی کرده باشد.

وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّم عَلَىٰ نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ وَصَحْبِهِ

پیشگفتار

اهمیت بحث رؤیا:

گفتگو از رؤیا، قواعد و احکام آن دارای اهمیت زیادی است مخصوصاً در این دور و زمان که حق با باطل در آمیخته است، و کسانی از رؤیا و تأویل آن، صحبت می‌کنند که اهل این کار نیستند.

عواملی که من را تشویق کرد تا به این امر مهم پردازم مختصراً به ترتیب زیر می‌باشند:

۱- غلوّ بعضی در تقدیر و احترام رؤیا و بالا بردن منزلت آن به جای که شایسته آن نیست، تا جای که آن را تشریح می‌پنداشتند و بوسیله آن شرع خدا را نقض می‌کردند و بر اساس خوابی که می‌دیدند حلالی را حرام، و حرامی را حلال می‌کردند، و مدعی می‌شدند که بر بعضی از غیب، علم پیدا کرده‌اند.

۲- تحقیر و کوتاهی بعضی نسبت به شأن و منزلت رؤیا که هیچ ارزش و قیمتی برای آن قائل نبودند، و آن را سخن پیرزنان، خرافات و افسانه به حساب می‌آوردند.

۳- جهت توضیح و بیان حدّ وسط در مورد رؤیا به نحوی که نه تندروری باشد، و نه کندروی. چون رؤیا همچنانکه وحی و تشریح نیست، بیهوده و دیوانگی نیز نیست، بلکه بعضی از آنها حق، و بعضی باطل می‌باشد.

۴- به خاطر ارتباط رؤیا با واقع و زندگی مردم. خیلی‌ها مخصوصاً خانم‌ها از آن بسیار صحبت می‌کنند. عوامل فوق من را واداشت تا به توضیح و بیان رؤیا پردازم.

ارزش رؤیا و اهمیّت آن در اسلام:

برعکس کسانی که برای خواب هیچ قدر و وزنی قائل نیستند، خداوند متعال برای خواب منزلت عظیم و اهمیت زیادی قرار داده است، که در فواید آتی‌ه‌ی رؤیا، آن را به وضوح می‌بینی.

۱ - فائده رؤیا هموارکننده راه وحی است:

عائشه رضی الله عنها می‌فرماید: «اول چیزی که وحی رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان شروع شد رؤیای صادقه بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر خوابی را که می‌دید مثل سپیده‌ی صبح آشکار می‌شد...». و در حدیثی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرؤیا جزء من سِتِّ وأربعین جزءاً من النبوة»: «خواب جزئی از چهل و شش جزء نبوت است».

و دلیل اینکه رؤیا جزئی از نبوت است، این است که در خواب چیزهای روی می‌دهد که انسان در دنیای واقعی از انجام آنها عاجز و ناتوان است مانند؛ پرواز کردن، زیر و رو شدن اشیاء و آگاهی یافتن از جزئی از علم غیب.

اهل حق اتفاق نظر دارند بر اینکه رؤیای صادقه حق و از جانب خداوند است. کسی آن را انکار نمی‌کند مگر اهل الحاد و جمعی از معتزله. [تفسیر قرطبی، ۱۲۴/۹].

خطابی گفته است: که در معنای رؤیای صادقه گفته شده است: رؤیای صادقه موافق با نبوت می‌آید، نه اینکه جزء باقی مانده از نبوت است. و برخی گفته‌اند: رؤیای صادقه جزئی از علم نبوت است، چون نبوت اگرچه به پایان رسیده، اما علم آن همچنان باقی است. خطابی کلام خود را به قول امام مالک به پایان می‌برد که ابن عبدالبرّ آن را نقل کرده و از امام مالک پرسیده است: که آیا هرکس می‌تواند خواب را تعبیر کند؟ در جواب گفته است: آیا می‌شود نبوت را به بازی گرفت، پس گفت: رؤیا جزئی از نبوت است، و نبوت را نمی‌توان به بازی گرفت؟ خطابی جواب داده که

منظور امام مالک این نبوده که رؤیای صادقه نبوت باقی مانده است، بلکه منظورش این بوده چون رؤیای صادقه از جهت اطلاع بر جزئی از غیب مشابه نبوت است، جایز نیست که بدون علم و آگاهی در مورد آن صحبت شود.

این بطلان گفته است: اینکه رؤیا جزئی از نبوت است بر شأن و شکوه رؤیا می‌افزاید، ولو اینکه یک جزء از هزار جزء باشد. گفته می‌شود: که لفظ نبوت از لفظ «إنباء» گرفته شده است و «إنباء» در لغت به معنای اعلام و پخش خبر است، پس بر این اساس، معنا چنین می‌شود که رؤیا خبری صادق از جانب خداوند است، همچنانکه نبوت خبری است صادق از طرف خداوند، که هیچ دروغی در آن روا نیست. [فتح الباری، ۳۶۳/۱۲].

پس رؤیا در صدق خبر با نبوت مشابهت پیدا می‌کند.

ابودرداء رضی الله عنه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد این آیه سؤال کرد که خداوند می‌فرماید:

﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [یونس: ۶۴].

«در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) ند؛ وعده‌های الهی تخلف ناپذیر

است! این است آن رستگاری بزرگ».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ما سألني أحدٌ عنها غيرك منذ أنزلت، هي الرؤيا

الصالحة يراها المسلم أو ترى له»: «از روزی که این آیه نازل شده کسی جز تو در

مورد آن سؤال نکرده است «منظور از بشری در آیه» رؤیای صالحه‌ای است که یا

مسلمان خودش آن را می‌بیند و یا دیگری به او خواب می‌بیند». [سنن ترمذی،

۲۲۷۳، ترمذی می‌گوید: حدیث حسن است. و آلبانی می‌گوید: صحیح است. نگا:

«الصحيحة (۱۷۸۶)». و این حدیث از عبادة بن الصامت رضی الله عنه نیز با الفاظ دیگر در

سنن ترمذی، (۲۲۷۵) روایت شده است. تفسیر قرطبی، ۳۵۸/۸].

۲- فائدهٔ رؤیا دلیل بر غیب و آخرت است:

کسی که در غیب و احوال آخرت شک دارد و یا دلایل بیشتری بر اثبات آنها می‌خواهد به رؤیا مراجعه کند که دلایل و مثال‌های زیادی را می‌یابد.

- **احیاناً انسان در واقع شدن عذاب بر روح شک می‌کند.** در اتاقی پاک و خنک می‌خوابد، و در خواب برخلاف آنچه هست در درد و رنج می‌افتد، و با پریشان حالی در حالیکه عرق از سر و روی او می‌ریزد بیدار می‌شود، و در این هنگام پی می‌برد که گرما و حرارتی که در خواب بر روح وی واقع شده اثرش به مراتب از برودتی که در دنیای واقعی بر جسمش وارد شده است، بیشتر است. پس فوری باور می‌کند که نه تنها روح عذاب می‌بیند، بلکه رنج حاصل از عذاب روح آسایش و راحتی جسم را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

و این، حال و وضع دنیا است. پس حال آخرت چگونه خواهد بود؟

- **انسان از احوال آخرت تعجب می‌کند،** چون بخاطر در دسترس نبودن، عقل نمی‌تواند آن را درک کند، اما وقتی برخی از احوالات خواب را ملاحظه کند، تعجبش برطرف می‌شود. او در خوابی که مثلاً ده دقیقه طول کشیده است، به کشورهای بسیاری مسافرت می‌کند. می‌بیند. می‌خوابد و کارهای زیادی را انجام می‌دهد که اگر بخواهد در دنیای واقعی آن کارها را انجام دهد، به چندین روز نیاز دارد. پس این کارها چگونه انجام یافته‌اند؟ چگونه برخی از نصوص را در خواب حفظ کرده است، و صحبت‌های را که با بعضی از مردم انجام داده با وجود اینکه طولانی است هنوز به یاد دارد؟! آیا این، دلیل نیست بر اینکه احوال آخرت بر قلب بشر خطور نمی‌کند؟

۳- فائده و سود عظیمی که از رؤیا حاصل می‌شود:

رؤیای صادقه از جانب خداوند است پس فوائد زیادی را در بردارد. از جمله:

• استواری، قوت و نیروبخشیدن خداوند به مؤمنین. بنابراین در حدیث صحیح آمده است: «أنه لا يبقى في آخر الزمان إلاّ المبشرات» فقلوا: ما هي يا رسول الله، قال: «الرؤيا الصالحة يراها المؤمن أو ترى له».

«در آخر زمان چیزی جز مبشرات باقی نمی ماند. عرض کردند ای رسول خدا «مبشرات» چیست؟ فرمودند رؤیای ...».

و همچنین در حدیث آمده است: «في آخر الزمان لا تكاد رؤيا المؤمن تكذب».

«در آخر زمان رؤیای مؤمن تقریباً دروغ از آب در نمی آید».

چون در این زمان که عده یاوران رو به کاهش می رود و عده دشمنان رو به افزایش، مؤمن نیاز بیشتری به تثبیت و مدد خداوند دارد.

رؤیای صادقه سرآغاز خیر در امور آخرت است. برخی از مسلمانان همچون فضیل بن عیاض، مالک بن دینار و جمعی دیگر از قدیم و جدید بوسیله آن به سوی حق هدایت شده اند، و در برخی نیز باعث افزایش ایمان و تقوی شده است. همچون اتّفاقی که برای عبدالله بن عمر رضی الله عنهما حاصل شد بوسیله خواب مشهوری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تعبیر نمود و فرمود: «نعم الرجل عبدالله لو كان يصلي من الليل». [البخاری، (الجامع الصحيح ۱۱۲۱)].

«بهترین مرد عبدالله است اگر نماز شب بخواند».

بعد از این، عبدالله در شب نمی خوابید مگر مدت کمی.

رؤیای صادقه سرآغاز خیر در امور دنیا نیز هست. همچون دلالت رؤیا بر روزی، بر علاج و ... نمونه در این مورد بی شمار است. چه بسیاری بیماران که

اسباب مرض خود را با چشم خود می‌بینند، و یا بر رازی دست می‌یابند که باعث شفایشان می‌شود^(۱).

عوامل تکرار شدن رؤیا:

۱- اهتمام ورزیدن صاحب خواب به چیزی که در خواب می‌بیند. اگر انسان به چیزی زیاد بها بدهد و در دنیای واقعی به آن مشغول شود بسا به آن خواب می‌بیند و این، ناشی از پریشان قلبی اوست. اگر به امور دینی مشغول باشد چیزی که مناسب آن است به خواب می‌بیند مانند؛ اصحاب رسول خدا که هر روز خواب هایشان را برای پیامبر ﷺ بازگو می‌کردند. اگر به امور دنیوی مشغول باشد مانند: ازدواج، تحصیل و یا تجارت پس او اغلب چیزی را به خواب می‌بیند که با آنها مناسب و سازگار باشد.

۲- ناتوانی و عدم امکان دست یافتن بر چیزی: اگر در رسیدن به منظوری تمام درها بر روی انسان بسته شد فتح و گشایشی برای خود یا بدیل آن را به خواب می‌بیند. به همین خاطر است که زندانی‌ها زیاد خواب می‌بینند، همچنانکه این مسأله برای آن دو زندانی که با حضرت یوسف عليه السلام زندانی بودند، اتفاق افتاد. شاید برای آنها به نوعی باعث آرامش و استواری باشد.
یکی از آنها می‌گوید:

خرجننا من الدنيا ونحن من أهلها	فلسنا من الأموات فيها ولا الأحياء
إذا جاءنا السجن يوماً لحاجة	عجبنا وقلنا جاء هذا من الدنيا
ونفرح بالرؤيا فجلاً حديثنا	إذا نحن أصبحنا الحديث عن الرؤيا

۱- در آخر کتاب در باب وقایع مثال‌های بیشتری را ذکر می‌کنیم.

«اهل دنیا هستیم در حالیکه از آن خارج شده‌ایم. نه جزء مردگانیم و نه جزء زنده‌ها. اگر روزی زندانبان برای حاجتی پیش ما بیاید تعجب می‌کنیم و می‌گوئیم او از جانب دنیا آمده است. به رؤیاهایمان دل خوشی می‌کنیم و هر گاه شب را به صبح رساندیم اکثر گفتگویمان پیرامون رؤیاهاست.»

۱- کنجکاوی برای دست یافتن به مجهول و غیب که خداوند متعال از روی حکمت آن را از انسان مخفی نگهداشته است، اما انسان با طبیعت کنجکاوانه خود می‌خواهد بر معرفت آن دست یابد. «برای رسیدن به مقصود اگر فرد کنجکاو» فرد منحرفی می‌باشد به سوی کاهن و فالگیر و ... روی می‌آورد، و فراموش می‌کند که خداوند چهل روز نماز کسانی که پیش آنها می‌روند قبول نمی‌کند، و اگر آنها را تصدیق کنند کافر می‌شوند. اما مؤمن، به رؤیا روی می‌آورد. به آن امید که خداوند بوسیله آن نویدی یا پرهیز از شری را به او بنمایاند.

باب اول:

چند مقدمه قبل از تأویل

انواع رؤیا:

رؤیا به سه نوع تقسیم می‌شود:

۱- کلام فرشته:

این، همان رؤیای صادقه و بشارتی است از جانب خداوند برای بنده‌اش.

۲- کلام شیطان:

این، رؤیای باطل از طرف شیطان برای غمگین کردن انسان است.

۳- کلام نفس:

این، گفتگوی انسان با نفس خود در حال بیداری است، که آن را در خواب به صورت رؤیا می‌بیند، و هیچ تعبیری ندارد. آیه: ﴿وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾ [یوسف: ۶]. «و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد».

اقسام سه‌گانه‌ی رؤیا را شامل می‌شود. به کلمه «أَحَادِيثِ» نگاه کن که خداوند آن را به صورت جمع آورده و نفرموده حدیث.

بیضاوی گفته است: ﴿مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾ یعنی؛ تعبیر رؤیاها را به شما یاد می‌دهد. چون اگر کلام فرشته باشد رؤیای صادق است، و اگر کلام نفس و شیطان باشد، رؤیای کاذب. [تفسیر القاسی، (۳۵۰۶/۹)].

پیامبر ﷺ فرموده است: «رؤیا سه گونه است: ۱- رؤیای حق. ۲- رؤیای حاصل از گفتگوی نفس انسان با خود. ۳- رؤیای غم انگیز از جانب شیطان». [مسلم، (۲۲۶۳)].

و معبرین به پنج نوع تقسیم می‌شوند:

۱- برخی در تعبیر خود، یعنی در «نگرش انتخابی» فقط بر بعضی از رموز اعتماد می‌کنند. در این طرز نگرش حق صاحب خواب ضایع می‌شود، چون رؤیا یک واقعه متکامل و به هم پیوسته است که تجزیه آن به حال بیننده ضرر می‌رساند.

۲- قسمی در تعبیر خود بر «نگرش توافقی» با کتب تعبیر گذشته اعتماد می‌کنند، در این طرز نگرش از دنیای واقعی صاحب خواب تجاوز و پا فراتر گذاشته می‌شود، چون دنیای واقعی هر نسلی با نسل دیگر متفاوت است.

۳- بعضی در تعبیر خود تنها بر «نگرش الهامی» اعتماد می‌کنند و آن را از ویژگی‌های معبر قرار می‌دهند و این، بر خلاف رویه‌ی سلف است، چون هیچ دلیلی بر صحت آن به دست نرسیده و عادت بر آن جاری نشده است.

۴- برخی در تعبیر خود فقط بر «نگرش روانی» اعتماد کرده‌اند مانند؛ روانشناسان و موافقین آنها، و از جوانب دیگر وارد شده در سنت، مانند؛ رؤیای صادقه و رؤیای شیطانی، غفلت کرده‌اند.

۵- قسمی در تعبیر خود بر «نگرش تکاملی» اعتماد می‌کنند یعنی؛ تمام رموز را جمع کرده و بر حال صاحب خواب شناخت کافی بدست می‌آورند. این قسم اخیر همان روشی است که موافق شرع و موافق نظر علمای سلف و خلف است که به اذن خدا روش ما در این کتاب، بر همین اساس خواهد بود.

رؤیا یک زبان نقاشی است که اگر رموز و مفردات آن با مهارت از هم جدا شوند، و با دنیای واقعی مرتبط گردند، تبدیل به خط مناسبی می‌شود که بسیاری از مشکلات زندگی ما را حلّ، و آمادگی رویارویی با آنها را در ما ایجاد می‌کند، و تبدیل به یکی از منابع شناخت و الهام می‌گردد.

قاعده کلی صحیح شرعی در تأویل خواب چیست؟

چون رؤیای صادقه بر دو نوع است قاعده کلی هریک را جداگانه بحث می‌کنیم.
 ۱- نوع اول از رؤیای صادقه، همانطور که در خواب دیده شده در عالم واقع روی می‌دهد و نیاز به تعبیر ندارد مانند؛ رؤیای پیامبران، شهدا و صلحا، نمونه آن، خواب حضرت ابراهیم است - بر او و بر پیامبر ما صلاه و سلام - در مورد ذبح حضرت اسماعیل.

۲- نوع دوم رؤیای صادقه‌ای است که نیاز به تعبیر و تأویل دارد چون رؤیا مثلی است که فرشته آن را به صاحب خواب می‌نمایاند تا بر اساس آن استدلال کند. و این نوع خواب بسیار اتفاق می‌افتد و نمونه آن روایتی است که از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمودند: «رأيت ذات ليلة فيما يرى النائم كأننا في دار عقبة بن رافع فأتينا برطبٍ من رطب ابن طاب، فأولتُ: الرفعة لنا في الدنيا والعاقبة في الآخرة وأنّ ديننا قد طاب». [مسلم: ۱۷۷۹/۴].

شبی در خواب دیدم که در منزل عقبه بن رافع هستیم و خرماهای از خرماهای ابن طاب برای ما آورده شد. پس آن را این طور تعبیر کردم: که سرافرازی در دنیا و سرانجام نیک در آخرت از آن ماست و دین ما مورد پسند واقع می‌شود.

پیامبر ﷺ از «رافع» رفعت و از «عقبه» عاقبت و از «رطب ابن طاب» طیب دین را اخذ کرده است. پس در هر تعبیر خوابی که این ضابطه رعایت نشود، طبق این نص، مردود می‌باشد.

حقیقت رؤیا:

قاضی ابوبکر بن عربی گفته است: رؤیا معلوماتی است که خداوند بوسیله فرشته یا شیطان بر قلب آدمی وارد می‌کند، و این رؤیا یا حقیقتی است، یا رمزی استدلالی، و یا خوابی درهم برهم. اگر رؤیا رمزی باشد، کار معبر این است که صورت ذهنی را از ناخودآگاه به خودآگاه انتقال دهد.

اگر رؤیا همچون سپیده صبح در عالم واقعی آشکار شد، نیاز به تأویل ندارد و دلیلش این است که خودآگاه و ناخودآگاه یکی شده‌اند، و دیگر برای آشکار کردن آن، نیاز به تعبیر نیست.

رؤیا قرائن و دلالتی دارد که بعضی از آنها آشکار، و برخی پنهان هستند، و نیاز به توضیح و تأویل و انعکاس رمزی است که در ناخودآگاه وجود دارد. تا با حال و واقع زندگی صاحب خواب که همان خودآگاهی است مطابقت کند. شناخت حال و وضع صاحب خواب و زمان آن ضروری است تا تعبیر خواب به بهترین وجه صورت گیرد.

روش علمی در تعبیر خواب

اگر بخواهی خواب را بر وجه صحیحش تعبیر کنی، لازم است که ابزار و ادوات تعبیر را بشناسی، و کسی که دارای این ادوات نباشد، نمی‌تواند تعبیر را به صورت احسن انجام دهد. پس تعبیر خواب علم و مهارتی است که قابل اکتساب است، و الهام در تعبیر نیز مهارتی است که فقط در نتیجه‌ی تجربه بدست می‌آید. اگر

بخواهی تعبیر موفقی داشته باشید، باید قبل از هر چیز قواعد رؤیا را یاد بگیری و سپس مهارت و تطبیقات آن را.

بعد از شنیدن تفصیلات رؤیا به ترتیب زیر شروع می‌کنی:

- به خدا پناه ببر و از او توفیق و یاری و راهنمای بخواه.
 - رموز مهمی را که با واقع و حال صاحب خواب ارتباط دارد مشخص کن.
 - سپس بین آن رمزها و سایر رموز دیگر بدون غفلت از هیچ رمزی ارتباط برقرار کن، و آنها را همچون دانه‌های تسبیح منظم و به صورت خاص در کنار هم قرار بده.
 - و معنای عامی را که به ذهنت می‌رسد و تمام این رموز را به هم پیوند می‌دهد، اضافه کن.
 - تا جای که ممکن است حمل بر خوش بینی کن.
 - به قواعد مذکور در این کتاب عمل کن.
- اگر تعبیر خواب بر شما مشکل شد بگو: خدا عالم است که این، خود نصف علم است. لازم نیست هر خوابی را تعبیر کنی چون خواب هم مثل فتوی است. اگر تعبیر خواب بر شما روشن شد بگو: بسم الله سپس برای صاحب خواب دعا کن به مانند این: خیر و نیکی به تو عطا شود، و از هر شری بدور مانی سپس بدون قطع و یقین خواب را تعبیر می‌کنی: و می‌گویی اگر رؤیای شما صادق باشد، تعبیر آن چنین و چنان است. والله أعلم.
- به اذن خدا تعبیرت را صائب خواهی یافت.

تذکرات مهم:

قبل از شروع به بحث ضوابط، تذکراتی مهم زیر لازم است.

*** حدود رؤیا:**

بهترین چیزی که در این مورد گفته شود، قول امام شاطبی رحمته الله است که می‌گوید: فائده رؤیا نوید و هشدار است، نه تشریح و احکام و داوری. به خاطر آرامش و کسب علم ذکر می‌شود، نه بخاطر اینکه موضع استدلال واقع گردد، و شرط عمل به مقتضای رؤیا این است که هیچ حکمی از احکام شرعی و یا هیچ قاعده ثابتی را نقص نکند، و فقط در صورتی اعتبار دارد که با شریعت موافقت داشته باشد، و یا متضمن فائده، یا بشارتی باشد که انسان را به چیزی آگاه کند، و یا در برگیرنده تحذیر از شری باشد تا انسان خود را برای رویارویی با آن، آماده نماید. و این همچنانکه در این امت واقع است در امت‌های دیگر نیز واقع بوده است. [الموافقات: للشاطبی ۴۵۷/۲].

*** خواب و شیطان:**

شیطان از مسلمان در حالت خواب بهره‌برداری می‌کند. مخصوصاً که خوابیده باشد ولی آداب خوابیدن را از قبیل: وضوء، اذکار، خوابیدن به پهلو راست و غیره را رعایت نکرده باشد پس او را وسوسه می‌کند و به طرق مختلف او را فریب می‌دهد^(۱). از جمله:

- در خواب چیزی را به او نشان می‌دهد که باعث حزن و اندوهش می‌شود: مثل اینکه مسلمان خود را در حال ارتکاب محرمات و گناه کبیره می‌بیند. یا در مورد خدا و پیامبران سخنانی می‌گوید که شایسته ساحت مقدس آنها نیست. یا چیزی را از غیبات انکار می‌کند و امثال آنها. قصد شیطان از این کار این است که انسان مسلمان را نسبت به دینش مشکوک کند، و تخم نفاق و عدم اطمینان را در درون وی بکارد.

۱- كما اینکه در حدیث: «لا تخبر بتلقب الشيطان بك في المنام» آمده است. نگاه قاعده شماره ۲۲.

- چیزی را به مسلمان نشان می‌دهد که باعث تفرقه و آشفتگی بین مسلمانان می‌شود: مثل اینکه می‌بیند که برخلاف احکام ثابت شرعی نظر می‌دهد. یا علیه برخی مسلمانان حکم کفر صادر می‌کند یا ملائکه‌ای می‌بیند که او را به انجام معاصی دستور می‌دهد یا خود را صالح‌ترین و بهترین مردم می‌داند یا می‌بیند که مهدیّ زمان خود شده است و امثال آنها. بنابراین هرگاه انسان چنین چیزهای به خواب دید، باید به طور یقین بداند که این‌ها وسوسه‌های شیطان است که به منظور ایجاد تفرقه در بین مسلمانان و ایجاد فساد در دین صورت می‌گیرد و به هنگام چنین خواب‌های ناخوشایندی باید از سنت پیامبر مصطفی -که بعداً ذکر می‌شود- پیروی کند و خوابش را برای کسی بازگو نکند بلکه آن را فراموش کند، گویا چیزی روی نداده است.

آداب رؤیای صالحه

عبارتند از:

- ۱- خدا را بر آن سپاس گوید.
- ۲- آن را فرخنده و مبارک شمارد.
- ۳- آن را برای هرکس که دوستش دارد باز گوید، نه کسانی که دوستشان ندارد.

آداب رؤیای ناخوشایند

عبارتند از:

- ۱- پناه بردن به خدا از شر آن.
- ۲- برای دور کردن شیطان سه بار آب دهانش را به طرف چپ بیاندازد.
- ۳- پناه بردن به خدا از شر شیطان.
- ۴- تغییر دادن جهتی که بر آن خوابیده است به امید اینکه حالش به احسن حال تغییر کند.

-
- ۵- خواندن دو رکعت نماز یا بیشتر تا قلبش آرامش پیدا کند و از خدا بخواهد که از شرّ این خواب مصونش دارد.
- ۶- آن را برای هیچ کس بازگو نکند، و اگر مجبور شد آن را فقط برای شخصی عالمی یا ناصحی تعریف کند.

باب دوم: قواعد تأویل رؤیا

قاعده اول: رؤیا یک نتیجه ظاهری است

رؤیا واقعه‌ای است که از حوادث که قبلاً اتفاق افتاده یا اتفاق خواهد افتاد خبر می‌دهد. در روشنائی حکم شما بر مقدمات، تعبیر صورت می‌گیرد و سرانجام نتیجه أخذ می‌گردد.

نمونه:

نمونه‌ی آن، داستان حضرت یوسف علیه السلام است. هنگامیکه یکی از دو زندانی که با او بود پیش حضرت یوسف آمد و عرض کرد: من در خواب دیدم که سبدی از نان بر سر دارم و پرندگان از آن می‌خوردند بدون اینکه بتوانم آنها را از خود دور کنم. حضرت یوسف دانست که او از دنیا می‌رود پس آن رؤیا را به مرگ تعبیر کرد و این، همان نتیجه است.

بر این قاعده قیاس کن؛ زندان غم و ذلت است. آهن: قدرت و نیرو است و خرما: راحتی و رفاه زندگی.

و ابوبکر صدیق رضی الله عنه رؤیای مردی را تعبیر کرد که در خواب دیده بود که ادارارش به خون تبدیل شده است. به او گفت: «تو با همسرت که در حالت قاعدگی است همبستر می‌شوی. از خدا آمرزش بخواه و بار دیگر این کار را تکرار مکن».

[المصنف: عبدالرزاق، (۲۳۰/۱) با سند صحیح].

قاعدهٔ دوّم: آنچه در مورد دارالحق می‌آید غالباً با وجود قرائن حق است
 مقصود به دارالحق، آخرت است آنچه در مورد آن می‌آید از قبیل: دیدن مردگان، دیدن بهشت و جهنم، زنده شدن، پل صراط و مانند آن، حق است. نمونهٔ آن قصّه ثابت بن قیس است رضی الله عنه که هنگامیکه در جنگ یمامه به شهادت رسید، زرهی گرانقیمتی بر تن داشت. در خوابی یکی از مسلمان‌ها آمد و به او گفت: تو را به وصیّتی سفارش می‌کنم مبادا! بگویی این خواب است و آن را ضایع کنی: وقتی شهید شدم یکی از مسلمان‌ها بر من گذشت و زرهم را برداشت، منزلش از منزل بقیه دورتر است و در کنار چادرش اسبی است که با افسارش بسته شده است. دیک بر زره سرازیر کرده و بر دیک جهاز شتری را گذاشته است. پیش خالد برو و بگو کسی را بفرستد و زرهم را پس بگیرد. اگر پیش خلیفه‌ی رسول خدا ابوبکر رضی الله عنه رفتی بگو بر من دینی است چنین و چنان. و فلان بنده‌ام آزاد باشد. صاحب خواب پیش خالد بن ولید آمد و خوابش را باز گفت. خالد کسی را فرستاد و زره را باز پس گرفت. و بعداً پیش ابوبکر رضی الله عنه رفت و قصّه را برای او نیز تعریف کرد و وصیّتش را بعد از مرگش تنفیذ کرد. گفته شده شنیده نشده است، کسی بعد از مرگ وصیت کرده و وصیّتش اجرا شده باشد جز ثابت بن قیس رضی الله عنه. [المستدرک: الحاکم - مع التخلیص]: 235/۳، و ذهبی آن را تصحیح نموده است]

شیخ محمد بن عثیمین رحمته الله گفته است: هر خوابی که قرائن بر صدق آن، دلالت کند هیچ مانعی نیست که به مفاد آن عمل شود ^(۱).

قاعدهٔ سوم: هر رؤیای مرموزی بوسیله ضدش تعبیر می‌شود جز رؤیاهایی که به دلالت قرآن و سنت تعبیر می‌شوند یا رؤیای‌های که به قیامت مرتبط هستند و یا رؤیاهای که عمومی می‌باشند

تمام رؤیاها برعکس هستند. بخشنده گیرنده است و گیرنده بخشنده، ضارب مضروب است، و مضروب ضارب. اگر زن حامله در خواب ببیند که دختر به دنیا آورده، پسر به دنیا می‌آورد، و اگر برعکس باشد نتیجه نیز معکوس خواهد شد.

أمثله:

«الضحك» که به معنای خنده است و یک دلالت قرآنی است بر بشارت دلالت دارد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْنَاهَا﴾ [هود: ۷۱].
«خندید و ما به او بشارت دادیم».

«الخلل» که به معنای سرکه است و دلالت سنت است بر خیر و برکت دلالت دارد. پیامبر می‌فرماید: «نعم الأدم الخلل». [مسلم: ۱۶۴].
«بهترین خورش سرکه است». اگر دلالت، قرآن و سنت باشد، معنی معکوس نمی‌شود. سبب معکوس شدن معنای رؤیا - خدا عالم است - اینست که فرشته خواب مثل‌ها را برعکس می‌زند تا بین خواب و بیداری فرق و جدایی حاصل شود. مخصوصاً مردم بسیاری که خوابشان از واقع زندگیشان سرچشمه می‌گیرد خواب و بیداری آنها چندان فرقی ندارد، مثلاً از خوابی که در آن عصبانی شده بیدار شده و در حالت بیداری نیز بر عصبانیت خود باقی می‌ماند، پس فرشته‌ی رؤیا ضد آن را آورد تا بین حقیقت و خیال، فرق و جدایی حاصل شود.

سه نوع رؤیا از این قاعده مستثنی می‌شوند:

- ۱- رؤیایی که تعبیر آن در قرآن و سنت یافت شود، چون تعبیر آنها واقعی است.
- ۲- رؤیایی که در مورد «دارالحق» قیامت باشد.
- ۳- رؤیای عامه. نمونه آنها بیشتر از حدّ شمارش است.

قاعده چهارم: اصول رؤیای رمزی حول سه چیز دور می‌زند: «جنس، صنف و طبع»

جنس: مانند؛ درخت، پرنده و حیوان.

صنف: آنست که صنف این درخت را از دیگر درختان، و صنف این پرنده را از دیگر پرندگان، و صنف این حیوان را مثلاً از دیگر حیوانات باز شناسی.

طبع: اندیشه می‌کنی که طبیعت مثلاً این درخت چیست، و آن را به صاحب خواب نسبت می‌دهی. اگر آنچه در خواب دیده شد پرنده باشد، پس معلوم می‌شود که صاحب خواب شخصی است که بسیار سفر می‌کند، و این از حالت پرنده که عدم استقرار است، استفاده می‌شود، و اگر مورد خواب حیوان باشد، پس به طبع و خوی حیوان نظر می‌شود، و طبیعت او به صاحب خواب نسبت داده می‌شود.

جدولی از اصول رؤیای رمزی

جنس	صنف	طبع
درخت	خرما	رفاه زندگی و روزی
پرنده	کلاغ	فسق و خرابی
حیوان	گرگ	تکبر و تجاوز

نمونه:

لیث بن سعد نقل می‌کند: مردی پیش سعید بن المسیب آمد و گفت: در خواب بر بالکن مسجد کبوتر سفیدی دیدم که بسیار قشنگ و زیبا بود. کرکسی آمد و آن را شکار کرد. ابن المسیب گفت: اگر رؤیا صادق باشد، حجاج بن یوسف با دختر عبدالله بن جعفر ازدواج می‌کند. زیاد طول نکشید که این وصلت صورت گرفت. به او گفته شد: یا ابا محمد این خواب را چگونه تعبیر کردی؟ گفت: کبوتر زن است و سفیدی آن بر پاکی حسب و نسبش دلالت دارد. هیچ زنی را از نظر حسب و نسب پاکتر از دختر عبدالله بن جعفر طیار ندیده‌ام و به کرکس نظر کردم، دیدم که پرنده‌ای است عربی و کسی را کرکس‌تر از حجاج نیافتم. [سیر اعلام النبلاء: الذهبی، ۱۲۴/۴].

بالکن مسجد را با وجود اینکه اهمیت داشت، ذکر نکرد، چون واضح بود که بر زن صاحب شرف و دین که شایسته دختر عبدالله بن جعفر رضی الله عنه بود، دلالت دارد.

قاعده پنجم: نکته اساسی و قابل توجه در تأویل کلمه، معنای متحرک آن است نه نص ثابت

کلمه در رؤیا، معنای متحرک و متغیر دارد، و این به معبر امکان می‌دهد که طبق حقایق زمان خود فکر کند، در حالیکه نص ثابت به او کمک می‌کند تا در بررسی کردن فکر بیشتر تعمق نماید.

از کتب تعبیر خواب گذشتگان غفلت نکن، چون روش آنها حقایق عصری را منعکس می‌کند که در آن زندگی کرده‌اند، و معنای رؤیا با تغییر اوضاع و احوال تغییر می‌کند.

نمونه:

از پرواز در خواب به نقل و انتقال تعبیر شده است. پیشینیان گفته‌اند: اگر کسی در خواب از جای که می‌شناسد پرواز کند به جای که نمی‌شناسد، دلیل بر این است که اجلس نزدیک شده است. این معنی نسبت به عصر و زمان آنها صحیح است، اما نسبت به زمان ما به خاطر اختراع هواپیما، به معنی کثرت سفر است. کلمه پرواز که به معنی نقل و انتقال است ثابت است، اما معنی متحرک آن، در دنیای واقعی انسان‌ها تا قیام قیامت در حال تغییر است.

نمونه دیگر:

از دست‌دادن ریش در خواب، نزد پیشینیان به معنی از دست دادن دین است. اما نزد ما به معنی انتقال امام مسجد، یا درس عالمی، یا کلاس دینی از جای به جای دیگر است. دیدن خانه‌های گلی در خواب به پناهگاه تعبیر شده است، و پیشینیان گفته‌اند به معنی زن است، چون مرد به او پناه می‌برد یا به معنی ثروت و مال دنیا است که به آدم روی می‌آورد، اما در نزد ما به معنی دیار و محل جنّ است، چون به خاطر بی‌نیازی انسان‌ها از آنها جنّ‌ها به آن پناه می‌برند، و از آن به مسّ شیطانی تعبیر می‌شود.

ابن بطه گوید: «أولئك من عين واحدة شربوا فعلیها یردون وعنها یصدرون وقد وافق الخلف العابر للسلف الصادق». [الإبانه: ۱/۳۸۶].

آنها از یک چشمه نوشیده‌اند، پس از سر آن چشمه وارد می‌شوند، و از همانا پراکنده می‌شوند و آیندگان با پیشینیان موافق کرده‌اند.

قاعده ششم: تعبیر خواب صورت نمی گیرد مگر بوسیله دو امر

۱- واضح بودن خواب.

۲- از میان برداشتن وسوس های شیطانی و گفتار نفسانی که باعث فساد خواب می شوند.

رؤیای صادقه باید معنایش واضح، تأثیرگذار در بیداری و اغلب برعکس واقع باشد، و هیچ رابطه با دنیای بیداری صاحب خواب و جنایت و ترساندن شیطان نداشته باشد.

مانند: داستان پادشاه مصر، آنگاه که در خواب دید هفت گاو ضعیف و لاغر، هفت گاو چاق و فربه را خوردند، و هفت خوشه ی سبز، و هفت خوشه ی خشک بهم پیچیده و رسیده ها نارسها را تباه کرده، گاوهای چاق سالهای حاصلخیز، و خوش های خشک سالهای خشک و قحطی هستند.

مثال دیگر:

خواب حضرت یوسف علیه السلام در بچگی است که در خواب دید یازده ستاره، خورشید و ماه او را سجده کردند، که یازده ستاره، یازده برادرش بودند، و خورشید پدرش و ماه خاله اش. [در تفسیر بغوی آمده: که ماه مادرش بود].

قاعده هفتم: رؤیای صادقه صحبت فرشته است و او دروغ نمی گوید

رؤیای صادقه گفتگوی فرشته با روح است که امر روح به وی سپرده شده است، و او دروغ نمی گوید. بخاطر همین است که خداوند از این رؤیا به «احادیث» نام می برد.

اما خواب های آشفته و پریشان، وسوسه و گفتگوی شیطان با نفس است که بر اساس دروغ است و به قصد ترساندن صاحب خواب صورت می گیرد.

و اما گفتگوی نفس، راجع به جسم است واحساسات و آرزوهای سرکوب شده در ناخودآگاه انسان است که در خواب بیدار می شوند و هیچ تعبیری ندارند.

مراتب نفس

عبارتند از:

- ۱- نفس لَوَّامه: تأثیرات انجام گناه در عالم حقیقی، به صورت ملامت وجدان و گریه پدیدار می‌شود.
- ۲- نفس مطمئنه: در نتیجه‌ی تأثیرات انجام کار نیک در دنیای واقعی، صاحب خواب به رضایت درونی، شادمانی و خنده دست می‌یابد.
- ۳- نفس اماره به سوء: مانند تصمیم به گناه در دنیای واقعی که برای صاحب خواب، امکان دستیابی به این احساسات از طریق احتلام حاصل می‌شود. و مانند تصمیم به نوشیدن تشنه در رمضان که آن را در خواب به صورت واقعی می‌بیند.

قاعده هشتم: خوابی که ارتباط مستقیم با دنیای واقعی داشته باشد، مورد اعتماد نیست بلکه از گفتگوی نفسانی محسوب می‌شود. مادامیکه بعد از دعا، استخاره و استشاره، حاصل نشده باشد

مثال:

کسی که فردا امتحان دارد، خود را در سالن امتحان می‌بیند: یا کسی که در واقع مضروب شده است خود را ضارب می‌بیند. این، نوعی خالی کردن احساسات است و قابل توجه نیست.

اما خوابی که بعد از دعا دیده می‌شود مورد اعتماد است. مانند؛ این حدیث که عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «رأيت امرأة سوداء ثائرة الرأس خرجت من المدينة بمهيعة وهي الجحفة فأولت أن وباء بالمدينة نقل إليها».
[البخاری، (۶۶۳۲)].

زن سیاهی «در خواب» دیدم با موهای پریشان که در شهر مدینه خارج شد و وارد «حجفه» گردید. پس آن را تأویل کردم به اینکه بیماری‌ای که در شهر مدینه است به آنجا نقل مکان می‌کند.

این رؤیا وقتی دیده شد که پیامبر ﷺ دعا کرده بود که بیماری تب که در شهر مدینه بود و اصحاب از آن رنج می‌بردند به «حجفه» برود که آن زمان محل سکونت مشرکین بود و پیامبر منتظر استجابه بود. وقتی این خواب را دید آن را فرخنده و مبارک شمارد و تعبیر نمود.

استخاره و استشاره نیز بر دعا قیاس می‌شوند و رؤیای بعد از آنها در این باب، حجّت است.

قاعده نهم: خوابی که در بیداری به یاد نمی‌آید خیری در آن نیست مادامیکه قرینه‌ای در عالم واقع آن را به یاد نیاورد

مثال:

اگر از خواب بیدار شد و رؤیایش را فراموش کرده بود، اما هنگامیکه به سر کارش رفت با مشاهده رنگ سبزی خوابش را با تمام تفصیلاتش با باغچه‌های سرسبز و غیره به خاطر آورد، این رؤیا به خاطر وجود آن قرینه صادق است.

قاعده دهم: رؤیای که با ترس و خوف همراه است، اصل در تعبیر آن، آسان‌گیری و بشارت است.

دلیل، فرموده خداوند است: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

«خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را».

مثال:

اگر دید هراسان است، هراسش را به اَمْن تعبیر کند. بنا به فرموده خداوند: ﴿وَلَيُؤَيِّدَنَّ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ [النور: ۵۵]. «و (خداوند) ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند».

و اگر خود را فقیر دید، خدا او را غنی خواهد کرد، بنا به فرموده خداوند که از حضرت موسی عليه السلام نقل می‌کند: ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: ۲۴].

«پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم».

بعد از این گفته خداوند او را بی‌نیاز کرد. به خواب دیدن نکاح با محارم نیکی و صله‌ی رحم است. دیدن مراسم ازدواج تجارت، و دیدن پرواز، سفر و هکذا.

قاعده یازدهم: تعبیر، قیاس و تشبیه و ظنّ است نه قطع و یقین

تعبیر، قیاس و تشبیه و ظنّ است نه قطع و یقین و برای ایجاد اَنَس است و تا زمانیکه آشکار نشده قسم بر آن جائز نیست مگر اینکه صدق آن در بیداری ظاهر شود:

دلیل آن، قول خداوند است در مورد یوسف: ﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ﴾ [یوسف: ۴۲].

«و (یوسف) به آن یکی از آن دو نفر، که می‌دانست رهایی می‌یابد، گفت: مرا نزد صاحب (سلطان مصر) یادآوری کن».

مثال:

در حالیکه ابن سیرین نهار می‌خورد، زنی پیش او آمد و گفت یا ابابکر خواب دیده‌ام. ابن سیرین گفت خوابت را می‌گویی یا اجازه می‌دهی غذایم بخورم؟ زن گفت: اجازه می‌دهم سپس در حالیکه ابن سیرین غذا می‌خورد گفت: حکایت کن. زن گفت: در خواب دیدم که ماه داخل ثریا شد و کسی پشت سرم مرا صدا کرد و

گفت: پیش ابن سیرین برو و خوابت را تعریف کن. ابن سیرین دست از غذا کشید و گفت: وای بر تو! چه دیده‌ای؟ زن دوباره خوابش را تعریف کرد. ابن سیرین رنگش پرید و برخاست در حالیکه دست به شکمش گرفته بود. خواهرش گفت: تو را چه شده؟ ابن سیرین گفت: این خانم می‌گوید که من هفت روز دیگر می‌میرم. اشعث گفت: هفت روز شمردیم و در روز هفتم ابن سیرین را دفن کردیم^(۱). چون نشانهای صدق این رؤیا در مورد ابن سیرین در بیداری ظاهر شدند، می‌شود به آن یقین پیدا کرد. اما اگر در عالم حقیقی دلیلی بر صدق رؤیا نبود فقط ظن و گمان است و بس.

قاعده دوازدهم: هر اثر دردناکی بعد از رؤیا در بیداری نشانه شروع آسیب از طریق چشم است.

پس باید برای برطرف کردن اثر، سریعاً اقدام کرد تا آن چشم بر وی مسلط نشود.

مثال:

کسی در خواب می‌بیند که یکی چاقوی به کمر او می‌زند از خواب بیدار می‌شود در حالیکه هنوز جای ضربه درد می‌کند. شکی نیست که این یکی از علامات زخم چشم است که باید برای برطرف کردن آن اثر از کسی که در خواب دیده است کمک بگیرد.

قاعده سیزدهم: رؤیا رازی است که خداوند بوسیله فرشته نزد بیننده خواب بودیعه می‌گذارد

رؤیا رازی است که خداوند بوسیله فرشته نزد بیننده خواب بودیعه می‌گذارد پس نباید بازگو شود مگر نزد عالمی یا ناصحی.

سبب آن -والله اعلم- اینست که بوسیله انسان جاهلی یا حاسدی تعبیر نشود و چیزی واقع شود که عاقبتش خیر نباشد. اما اگر در جلسه طالبان علم یا خردمندان بازگو شود اشکالی ندارد، چون صحابه همیشه رؤیاهای خود را در حضور دیگران تعریف می‌کردند.

نمونه آن، داستان یوسف؛ با برادرانش است، آنگاه که پدرش می‌گوید: ﴿لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا﴾ [یوسف: ۵].
 «خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه (خطرناکی) می‌کشند».

قاعده چهاردهم: هر رؤیا دو معنی دارد

هر رؤیا دو معنی دارد: یکی نزدیک و دیگری دور که در خیر و شر مختلفند و جانب خیر بر جانب شر غلبه دارد.
 مثال:

عائشه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: که زنی از اهل مدینه، همسرش تاجر بود و هر گاه به سفر می‌رفت زن به او خواب می‌دید، و کم پیش می‌آمد که او را ترک کند و به سفر رود، مگر اینکه زن حامله بود، و هر بار پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمد. دفعه‌ی پیش پیامبر آمد و گفت شوهرم به تجارت رفته است و من هم حامله هستم، و خواب دیده‌ام که ستون خانه‌ام شکسته و پسر یک چشم به دنیا آوردم. پیامبر فرمود: خیر است این شاء الله شوهرت به سلامتی برمی‌گردد و پسری سالم و خوب به دنیا می‌آوری. این خواب را دو یا سه بار دید و هر بار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود شوهرت برمی‌گردد و پسری خوب به دنیا می‌آوری. یک روز آمد همچنانکه قبلاً می‌آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف نداشتند. باز هم همان خواب را دیده بود، گفتم: از رسول خدا چه می‌پرسی؟ گفت: چندین بار است خوابی را می‌بینم و هر بار که از

پیامبر خدا در مورد آن می‌پرسم، می‌فرماید خیر است إن شاء الله، و هرچه او می‌گوید همان می‌شود. گفتم خوابت چیست؟ برای من هم تعریف کن، گفت: تا پیامبر خدا ﷺ بیاید برای او تعریف می‌کنم، به خدا از او جدا نشدم تا خوابش را برابم بازگو کرد. گفتم: اگر خوابت صادق باشد، همسرت می‌میرد و پسر فاجری به دنیا می‌آوری. زن نشست و شروع به گریه کرد. پیامبر ﷺ آمد و به عائشه گفت: چرا این زن گریه می‌کند، عائشه ماجرا را تعریف کرد. پیامبر ﷺ فرمود: ای عائشه! اگر خواب مسلمانی را تعبیر کردی آن را بر وجه خیر تعبیر کن. چون رؤیا بر وجهی که تعبیر می‌شود روی می‌دهد. قسم به خدا شوهرش مرد و پسر فاجری به دنیا آورد.

پیامبر ﷺ از شکستن ستون خانه معنی بعید را در نظر می‌گرفت که معنای آن وسعت خانه است و وسعت خانه را از وسعت روزی نتیجه می‌گرفت، و پسر یک چشم یعنی؛ پسری که فقط راه حق را می‌بیند و آن اشاره است به فرموده‌ی خداوند: ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ [البلد: ۱۰]. «ما انسان را به دو راه «خیر و شر» هدایت کردیم».

اما عائشه رضی الله عنها معنی قریب را در نظر می‌گرفت، ستون خانه را به شوهرش معنی می‌کرد، و شکستن آن را به مرگ او، و پسر یک چشم را نیز به مسیح دجال معنی می‌کرد. [الدارمی: (۲۰۸۶) با سند. ابن حجر: (الفتح)، ۴۳۲/۱۲ و آنرا حسن دانسته است].

و مثل این است خواب دیدن به آتش که معنی قریب آن، شقاق و جدائی است که معنی بدی می‌باشد ولی معنای بعید آن، خیر و برکت است با اشاره به فرموده‌ی خداوند: ﴿أَنَّ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ [النمل: ۸]. «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است (فرشتگان و موسی)».

قاعدهٔ پانزدهم: رؤیا مؤمن را مسرور می‌کند نه مغرور

رؤیا نوید است و فقط بر آن تکیه نمی‌شود، بلکه به انجام اعمال صالحه نیز باید اقدام شود. ابن مفلح در کتاب آداب الشرعیه می‌گوید: ابراهیم الحمیدی مردی صالح بود. امام احمد بن حنبل رضی الله عنه به دیدار او رفت. ابراهیم الحمیدی به او گفت: مادرم تو را چنین و چنان در خواب دیده است و بهشت را ذکر کرد. امام احمد فرمود: ای برادر! مردم در مورد سهل بن سلامه نیز چنین می‌گفتند. در حالیکه سهل بعداً خون‌ریزی به راه انداخت و سپس امام احمد به او گفت: مؤمن به رؤیا مسرور می‌شود نه مغرور. [الآداب الشرعیه، (۵۲۳/۲)].

امام ذهبی در مورد خواب عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه گفت: او از طریق صدقه و بخشش مال، وارد بهشت می‌شود با وجود اینکه او از اهل بهشت و یکی از عشرةٔ مشرّه بود. و گفت: او و غیر او خواب می‌بیند و خواب تعبیر دارد و به حقیقت عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه از خوابی که دید و از مالی که بدست آورد سود زیادی عائدش شد تا جائیکه ثروت عظیمی را در راه خدا بخشید. و بدین وسیله از وارثین فردوس قرار گرفت. [الذهبی: سیر اعلام النبلاء: (۸۱/۱)].

قاعدهٔ شانزدهم: رؤیا بر حسب اختلاف شکل و ظاهر انسان‌ها و قدر منزلت آنها تغییر می‌کند

باید به حال وضع بینندهٔ خواب و قدر منزلت او نظر شود و سپس بر اساس آن، تعبیری مناسب ارائه گردد.

مثال:

دو نفر که هردو در خواب اذان گفته بودند برای تعبیر آن، نزد ابن سیرین رفتند به یکی که شکل و ظاهر خوبی نداشت گفت: شما دزدی می‌کنی. و به دیگری گفت: شما به حج می‌روی. حاضرین در جلسه گفتند: چرا بین آن دو فرق گذاشتی در حالیکه خوابشان یکی است گفت: در اولی سیمای زیبا دیدم و براساس آن، تعبیر

نمودم. ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾ [الحج: ۲۷]. «و مردم را دعوت عمومی به حج کن».

شکل و ظاهری مناسب در دومی ندیدم و براساس آن تأویل کردم. ﴿ثُمَّ أَذِّنْ مُؤَذِّنًا أَيُّهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَرِقُونَ﴾ [یوسف: ۷۰]. «سپس کسی صدا زد، ای اهل قافله، شما دزد هستید».

این مسأله ردی است بر کسی که ظاهر و شأن بیننده خواب را در نظر نمی‌گیرد، و بطور مستقیم اقدام به تعبیر می‌کند.

قاعده هفدهم: هر خوابی که براساس اصول معتبر تعبیر شده باشد، کامل است و بوسیله تعبیر دیگری نقض نمی‌شود:

باید خواب مطابق اصول معتبر تعبیر شود. ولو اینکه معنای بعید در نظر گرفته شود، به اذن خدا خواب براساس اولین تعبیر به وقوع می‌پیوندد و تعبیر دوم قابل توجه نیست.

مثال:

از ابن عمر رضی الله عنهما نقل شده: که عثمان بن عفان رضی الله عنه با مردم صحبت می‌کرد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله را امشب در خواب دیدم و فرمود: ای عثمان بیا پیش ما افطار کن و روز بعد به شهادت رسید. پادشاه مصر خوابش را بر اشراف قومش عرضه کرد و گفتند: ﴿أَضَعْتُ أَحْلَمَ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ﴾ [یوسف: ۴۴].

«گفتند: خواب‌های پریشان و پراکنده‌ای است؛ و ما از تعبیر این گونه خواب‌ها آگاه نیستیم».

با وجود این، تأویل آنها به اینکه «أضغاث و أحلام» است واقع نشد، چون اصول معتبر در تعبیر خواب رعایت نشده بود. از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت: در خواب دیدم که گویا گله‌ای از اسبان خوب دارم آنها را

حرکت دادم تا به کوهی رسیدم، ناگاه دیدم رسول خدا ﷺ بالای کوه است و ابوبکرؓ در کنارش و داشت به عمرؓ اشاره می‌کرد که فوت کرده بود، گفتم: إنا لله وإنا إليه راجعون. ای رسول خدا! به عمرؓ خبر نمی‌دهی؟ فرمود: من نسبت به مرگش از او باخبرتر نیستم. و تعبیر به وقوع پیوست. چون آنچه در خواب نسبت به «دارالحق» قیامت، می‌آید حق است و به وسیله تعبیر دیگر نقض نمی‌گردد.

قاعده هجدهم: کسی که خوابش را تعبیر نمی‌کند از تبعات آن سالم نمی‌ماند تا اینکه تعبیر کند یا خیر آن را از خداوند مسألت نماید

اصل در تعبیر خواب، بقاء اوضاع است بر آنچه که قبلاً بوده هر چند مدت طولانی شود تا اینکه خواب، مطابق اصول معتبر رؤیا، تعبیر گردد. رؤیا بر صاحبش اصرار می‌کند که آن را تعبیر کند و مفاد این حدیث که ترمذی آن را در عداد احادیث صحیح روایت کرده است به این موضوع اشاره داد، آنجا که رسول خدا می‌فرماید:

«الرؤی علی رجل طائرٍ فإذا عُبرَتْ وقعت» [الترمذی: (۲۳۸۱)].

یعنی؛ رؤیا مانند شیمی آویزان بر پای پرنده است که ثبات و استقرار ندارد، و هرگاه تعبیر شد سریعاً سقوط می‌کند.

مثال:

روایت شده که پیامبر ﷺ بین سلمان فارسی و ابوبکر صدیقؓ پیمان برادری برقرار کرد و سلمان، ابوبکر را در خواب دید و از او روگردان شد. ابوبکرؓ گفت: ای برادر چرا از من روگردانی؟ گفت: در خواب دیدم که دستانت را جمع کرده‌ای «بخل می‌ورزی» ابوبکرؓ گفت: الله اکبر! دستانم تا روز قیامت نسبت به شر جمع هستند. سلمانؓ چون خوابش را تعبیر نکرده بود از تبعات آن، یعنی؛ ناراحتی و دلخوری در امان نماند، اما همینکه تعبیر شد، تبعات آزاددهنده آن پایان پذیرفت.

قاعده نوزدهم: تعبیر خواب دعائی است بیمه شده از جانب فرشته

اگر دعاء خیر باشد عاقبتش خیر، و اگر دعاء شر باشد عاقبتش نیز شر خواهد بود. و هیچ چیز قضاء را ردّ نمی‌کند جز دعاء.

مثال:

روایت شده که زنی با کودک شیرخوارش به حلقه‌ی درس ابن سیرین در مسجد آمد از او جویا شد یکی از شادگردان که به کم خردی مشهور بود به او گفت: برای چه آمده‌ای؟ زن گفت: به خاطر خوابی که در مورد این کودک دیده‌ام. گفت: چه دیده‌ای؟ زن گفت: در خواب دیدم که دریای نوشید. شاگرد فوری تعبیر کرد و گفت: کیسه صفرایش می‌ترکد و می‌میرد. کودک در حال فریاد زد و آخرین نفسش را کشید و مُرد. در حالیکه مادرش گریه می‌کرد، ابن سیرین آمد و گفت: اگر او را به حال خود رها می‌کردید به یکی از دانشمندان این مملکت تبدیل می‌شد، چون در دریا یاقوت و دژ و مرجان هست.

باید معبر تا آنجا که ممکن است، خواب را به فال نیک بگیرد، چون فرشته حرف خود را بیمه کرده است.

قاعده بیستم: رؤیا واقعی تکاملی است که تجزیه کردن، به آن ضرر**می‌رساند**

هیچ یک از الفاظ و قرائن از رؤیا مستثنی نمی‌شود بلکه تمام آنها اعمال می‌شوند و باید معبر تمام معناها و لوازمی را که رموز بر آنها دلالت دارند، رعایت کند. چون اگر کسی نسبت به کتابی حکمی صادر کند، و از آن کتاب فقط فصلی خوانده باشد قطعاً حکمش ناقص خواهد بود.

پس لازم است که معبر، تمام رموز را رعایت کند، و هریک را در جای مناسب خود قرار دهد.

مثال:

اگر کسی در خواب دید که ماری او را نیش زد و سپس عسل نوشید. و معبر بگوید: از طریق چشم به شما آسیب می‌رسد و سپس سکوت کند با این تعبیر ناقص به بیننده خواب ضرر می‌رساند، چون نوشیدن عسل را که به معنای شفا از زخم چشم است تعبیر نکرده است، و مقصود به نوشیدن عسل، رقیه به قرآن است که باعث شفا از آسیب چشم می‌شود.

قاعده بیست و یکم: گناه کسی که در بازگو کردن خوابش دروغ گوید
کسی که در بازگو کردن خوابش دروغ گوید. در دنیا به آنچه می‌ترسد دچار گردد و در آخرت مجبور می‌شود که دو عدد جو را بهم گره بزند که هرگز نمی‌تواند:

خداوند همچنانکه عکاسی و نقاشی را در دنیای واقع حرام کرده، تصویر دروغین را نیز در عالم رؤیا حرام نموده است، چون نوعی جدال با خدا در آفرینش است. ابن حجر رحمته الله فرموده: «رؤیا یک صورت لطیف و معنوی است که خداوند می‌آفریند و دروغگو صورتی را بر تصاویر خوابش می‌افزاید که حقیقت ندارد و خدا آن را نیافریده است، پس این نوعی دروغ بر جنس نبوت است، و در روز قیامت بر او تکلیف می‌شود که دو حبه جو را بهم گره بزند، و به کسی که در دنیای واقعی صورتی را کشیده تکلیف می‌شود که آن را زنده کند؛ چون با قدرت خدا در آفرینش ستیز کرده است.» [فتح الباری، (۴۴۷/۱۲)].

مثال:

روایت شده است که مردی نزد ابن سیرین آمد و گفت: در خواب دیدم که یک لیوان شیشه‌ای پر از آب، در دست دارم، لیوان شکست و آب باقی ماند. ابن سیرین گفت: از خدا بترس مرد! چیزی ندیده‌ای مرد عصبانی شد و گفت: سبحان الله! ابن سیرین گفت: اگر دروغ هم بگویی چیزی بر من نیست و خواب را تعبیر کرد و گفت: زنت بچه‌ای به دنیا می‌آورد و خودش می‌میرد و بچه‌اش زنده می‌ماند. هنگامیکه مرد

از نزد ابن سیرین بیرون آمد گفت: به خدا هیچی ندیده‌ام. طولی نکشید که این زن بچه‌ای به دنیا آورد و مُرد.

قاعده بیست و دوم: چیزی که عقلاً محال است، ممکن است در خواب روی دهد از دو طریق:

۱- وسوسه شیطان: در حدیث صحیح آمده است که مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد که در خواب دیدم سرم از تنم جدا شده است و من به دنبال سرم راه می‌روم. پیامبر ﷺ فرمود: «لا تخبر بتلعب الشيطان بك في المنام». [سیر اعلام النبلاء ذهبی، (۴/۶۱۷) و اسناد آن صحیح است. و نگاه به التقریب شماره (۷۲۸۹)، ص ۵۷۲].
«فریب و وسوسه شیطان را بازگو مکن».

۲- دروغ صاحب خواب: همچون داستان آن مردی که پیش عمر ﷺ آمد و گفت: در خواب دیدم که زمین سرسبز و خرم شد و بعداً خشک و بی‌گیاه، دوباره سبز شد و سپس خشک و بی‌حاصل. عمر ﷺ گفت: تو ایمان می‌آوری و بعداً کافر می‌شوی، دوباره ایمان می‌آوری و سپس کافر می‌شوی، و با کفر از دنیا می‌روی. مرد گفت چیزی ندیده‌ام عمر ﷺ گفت:
﴿فُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ﴾ [یوسف: ۴۱]. «و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است».

همچنانکه برای دوست حضرت یوسف مقدر گردید، و یا همچون داستانی که چند پیش از ابن سیرین نقل کردیم. با وجود اینکه خواب دروغ است، اما تأویل آن به خاطر سزای خدا نسبت به دروغگو حقیقتاً روی می‌دهد. و اما واقع شدن محالاتی که به گمان مردم ممکن است، در خواب زیاد است. مانند؛ اینکه هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را می‌خورند و مانند؛ پرواز در آسمان.

قاعده بیست و سوم: صادق ترین مردم در رؤیا صادق ترین آنهاست در گفتگو

هر اندازه انسان صادق باشد، رؤیایش نیز صادق خواهد بود. و هر اندازه دروغگو باشد رؤیایش نیز همچنین. و اگر صاحب خواب در صدق و کذب متوسط باشد؛ باید خوابش بررسی شود تا صحت آن معلوم گردد. مانند؛ خبری که از فاسقی می‌رسد، باید بررسی شود تا از صحت و سقم آن اطمینان حاصل آید و مانعی نیست که خواب او صحیح باشد. امام بخاری رحمته الله بابتی را به این مسأله اختصاص داده تحت عنوان: «باب خواب اهل شرک و فساد و هرزگی».

مثال:

مثال آن، خواب حضرت یوسف علیه السلام است که به خاطر صادق بودنش به صدیق نامیده شده است. پس صداقت، دلیل صحت خواب است.

قاعده بیست و چهارم: رؤیا صفتی است غیبی که در آینده آشکار می‌شود نه صفتی که در حال، تأثیرگذار باشد

پس باید در آن تحقیق و بررسی کرد و تا جای که راه داشته باشد آن را بر احسن احوال حمل نمود چون رؤیا بر اساس خوشبینی است.

مثال:

از شریک بن ابی نمر نقل شده است: گفت در خواب دیدم که تمام دندان‌هایم افتاده است. در مورد آن از سعید بن مسیب پرسیدم گفت: اگر خوابت صادق باشد تمام هم‌سن و سال‌هایت فوت کرده‌اند. [سیر اعلام النبلاء، (۴/۲۳۶)].

قاعده بیست و پنجم: واقع شدن تعبیر خواب ضرورتاً بر ثبوت وصف تعبیر یا صحت و توانائی معبر دلالت نمی‌کند

چون رؤیا بر اساس عاقبت به خیری و خوش‌بینی است. بنابراین واقع شدن تعبیر معبر احمق و حسود، دلیل بر قوت تعبیر و صحت آن نیست، و همین مسأله زیادی معبرین را در زمان حاضر توجیه می‌کند.

مثال:

داستان برادان حضرت یوسف علیه السلام که به او حسودی بردند. یا ابن سیرین باری که از حلقه درس تأخیر کرده بود یکی از شاگردان احمقش خواب زنی را تعبیر کرد و تعبیرش واقع شد.

قاعده بیست و ششم: اگر خوابی که تعبیر آن واقع شده است تکرار گردید از چهار حالت زیر خالی نیست

- ۱- یادآوری نعمتی است که به سبب این خواب فراهم شده ولی هنوز شکر آن بجای نیامده است.
- ۲- برحذر داشتن از گناهی است که هنوز از آن توبه نشده است.
- ۳- یادآوری وصیت، ردّ مظلمه یا دینی است که بر میت است و هنوز ادا نشده.
- ۴- دلالت بر آسیب چشم دارد که هنوز برای رفع اثر آن اقدام نشده است. و مثال در این باب از حدّ شمار بیشتر است.

قاعده بیست و هفتم: غالباً رؤیای بد زود واقع می‌شود و رؤیای نیک دیر:

بر این مسأله واقعیت و تجربه شهادت می‌دهد. خواب بد به سرعت واقع می‌شود تا صاحب خواب به توبه و پرهیز از گناه اقدام کند و خود را برای مصیبت آماده نماید. باید از صاحب خواب سؤال شود آیا قبل از خواب بلای بر او وارد آمده یا خیر. اگر قبلاً به مصیبتی دچار شده پس این خواب، تفسیر آن است و اگر نه پس به مصیبتی گرفتار آید که باید خود را برای آن آماده سازد، و این از لطف و رحمت خدا به بنده است.

و اما نشان خواب نیک تأخیر است که در آن نوید به خیر و خوشی است تا خوف انسان به امن تبدیل شود و نفس آمادگی لازم را بدست آورد.

ولی احیانا در برخی از حالات استثنائی تعجیل می‌شود. مانند؛ اینکه به صاحب خواب دستور داده شود که برای شفا از بیماری‌اش صدقه بدهد.

مثال خواب نیک: داستان حضرت یوسف علیه السلام است که در کودکی خواب دید: ﴿يَأْتِبَتِ إِيَّيْ رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ [یوسف: ۴].

«پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر من سجده می‌کنند».

تأویل این خواب بعد از مدت طولانی، گفته شده بعد از مدت چهل سال، آنگاه که حضرت یوسف علیه السلام اداره مصر را به عهده گرفته بود، به وقوع پیوست. [شرح السنه: للبعثي ۲۳۱/۱۲].

مثال خواب بد: مردی به ساعد بن مسیب گفت: در خواب دیدم که بر بام کعبه نماز می‌خوانم. سعید بن مسیب گفت: از خدا بترس و از گناه دوری کن. می‌پندارم که از دین خارج شده‌ای. [تفسیر الواعظ: ۹۰].

قاعده بیست و هشتم: رؤیای که مانند؛ سپیده صبح آشکار شود نیاز به تعبیر ندارد

این نوع خواب کمیاب است. غالباً مخصوص پیامبران، صادقان، شهدا و صلحا است و اساس آن صدق است. هر اندازه آدم با خدا در ایمانش، و یا با بندگان خدا در رفتارش صادق باشد، به همان اندازه خوابش صادق خواهد بود. مانند خوابی که پیامبر دید و در آن مژده فتح مکه به او داده شد.

خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ﴾ [الفتح: ۲۷].

«خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست و مشیت خدا وارد مسجد الحرام می شوید.»
و مانند خواب ابراهیم علیه السلام در مورد ذبح پسرش اسماعیل.

قاعده بیست و نهم: رؤیا عامه است

رؤیا عامه است اگر در مورد نشانهای هستی یا نشانهای ویژه و ممتاز باشد: نشانهای هستی مانند: خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، زلزله و باران. نشانهای ویژه مانند: مناره مسجد، کعبه و مکانهای مقدس، یا آپارتمانهای بلند، یا هر امر خیر یا شری که به امت اسلامی مربوط شود، و همچنین خواب حاکم مملکت یا خواب علماء. تبعات رؤیای عامه متوجه شخص بیننده خواب می شود. یعنی؛ رؤیای عامه شامل عموم و خصوص است.

مثال:

از انس رضی الله عنه روایت شده: که رؤیا پیامبر را به شگفتی وا می داشت و فرمود رضی الله عنه:
«هل رأى أحد منكم رؤيا اليوم»: «کسی از شما امروز خواب دیده؟»
عائشه رضی الله عنها گفت: در خواب دیدم که سه ماه در حجره من افتادند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إن صدقت رویاک دفن فی بیتک ثلاثة هم أفضل - أو خیر - أهل الأرض»: اگر خواب صادق باشد سه نفر از بهترین اهل زمین در منزل شما دفن خواهند شد. وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فوت کرد و در حجره ی عائشه دفن شد، ابوبکر رضی الله عنه گفت: این، یکی از سه ماهت که بهترین آنها است، و بعداً ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز در آنجا دفن شدند. [المستدرک: الحاکم: ۶۰/۳].

روایت شده که عمر رضی الله عنه یک نفر قاضی را به شام فرستاد. قاضی در راه برگشت. عمر رضی الله عنه گفت: چرا برگشتی؟ قاضی گفت: در خواب دیدم که خورشید و ماه باهم می جنگند، و ستاره ها برخی با خورشید هستند و برخی با ماه.

عمر رضی الله عنه فرمود: شما با کدام یکی بودی؟ گفت: با ماه، عمر رضی الله عنه فرمود: برو بیرون و هرگز برای من کار مکن، و سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿فَمَحَوْنَا آيَةَ آلِ لَيْلٍ وَجَعَلْنَا آيَةَ الْفَجْرِ مُبْصِرَةً﴾ [الإسراء: ۱۲].

«نشان شب را محو کردیم و نشان روز را تابان. این مرد در جنگ صفین در کنار اهل شام جنگید تا به قتل رسید». [اصابه: ابن حجر ۶۵۶/۱].

قاعده سی ام: هر خوابی که تأویل آن به دلیل وجود رمزهای متضاد مشکل گردد، بر رمز واضح آن اعتماد می شود

به رمزهای ضعیف توجه نمی شود چون شاید از خواب آشفته یا گفتار نفسانی باشد. هر گاه فهم رموز دشوار گردید، نادیده گرفته می شوند و رمز مجهول بر معنای معلوم حمل می گردد.

مثال:

حجاج بن یوسف در خواب دید که دو جاریه از حورالعین از آسمان فرود آمدند. حجاج یکی از آنها را گرفت و دیگری به آسمان برگشت، حجاج به خوابش خوشحال شد و آن را بر ابن سیرین عرضه کرد. ابن سیرین گفت: دو جاریه دو فتنه هستند که یکی از آنها مهار می شود، و دیگری مهار نمی شود. حجاج فتنه ابن اشعث را مهار کرد، ولی فتنه ابن المهلب را نتوانست مهار کند.

در اینجا دو رمز وجود دارد یکی جاریه و دیگری حورالعین و آنها با هم متضاد هستند چون حورالعین هرگز از خیمه ها بیرون نمی روند، ولی این دو جاریه بر زمین فرو آمدند، پس به رمز واضح یعنی؛ جاریه توجه می شود و از آن، جور و ظلم فهم می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ما ترکت بعدی فتنه هی أضر علی الرجال من النساء:» «هیچ فتنه ای بر جای نگذاشته ام که خطرناک تر باشد از فتنه ی زنان بر مردان. پس حجاج فتنه ی یکی از دو جاریه را مهار کرد.

از ابن سیرین نقل شده که زنی از او سؤال کرد در مورد خوابی که در آن، مردی را با قید و زنجیر دیده است. ابن سیرین به زن گفت: چنین چیزی ممکن نیست چون قید ثبات در دین و ایمان است و غل کفر و خیانت، پیامبر ﷺ فرموده است: «أحب القيد وأكره الغل والقيد ثبات في الدين» [مسلم].

قید را دوست دارم و از غل بیزارم. قید، ثبات در دین است. و اما غل کفر و خیانت است، پس نمی‌شود مؤمن کافر باشد، زن گفت: به خدا قسم من این خواب را با حالت مناسب دیده‌ام و مثل اینست که حالا زنجیر و ساجور را در گردن او می‌بینم. «ساجور چوبی است که به گردن سگ می‌اندازند، قلابه» تا اسم ساجور را شنید ابن سیرین به زن گفت: بلی الآن فهمیدم چون ساجور از چوب است و چوب در خواب نفاق در دین است ﴿كَانَتْهُمْ حُشْبٌ مُسْنَدَةٌ﴾ [المنافقون: ۴].

«گوئی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند». پس ساجور و غل با هم جمع شده‌اند و هر کدام تأویلش نفاق و کفر و خیانت است و آن دو در تأویل قوی‌تر هستند از قید که تنها است و با او شاهدهی دیگر که آن را تقویت کند وجود ندارد پس آن مرد کسی است که خود را به کسی غیر از پدر خود، و به قومی غیر از قوم خود نسبت می‌دهد، و ادعا می‌کند عرب است و از آنها هم نیست. زن گفت: إنا لله وإنا إليه راجعون.

قاعده سی و یکم: هرگاه در خواب مباشر و مسبب و ساکت جمع شدند حکم همه آنها یکی است مخصوصاً در مسأله زخم چشم

هرگاه دو رمز با یکدیگر جمع شوند و مقصود آنها یکی باشد غالباً یکی در دیگری داخل است، و تعبیر رموز بهتر از اهمال و عدم تعبیرشان است، و رمز تابع همچنانکه از اسم آن پیدا است تابع، پیرو است. تا جائیکه رمز بر آن دلالت بکند و

امکان حمل آن بر معنی هماهنگ با دیگر رمزها وجود داشته باشد، همچنانکه اصولیون قائل بر این هستند که اشاره می‌تواند جانشین عبارت شود.

مثال:

اگر در خواب دید مردی گودالی می‌کند و مرد دیگری آمد و صاحب خواب را در گودال انداخت و سوومی نگاه می‌کرد و به صاحب خواب کمک نکرد: حکم همه آنها یکی است و آن، آسیب دیدن بیننده خواب از چشم همه آنها است. قدرت تأثیر چشم آنها متناسب با آزاری که در خواب از آنها دیده متفاوت است.

قاعده سی و دوم: تمام مثل‌های قرآن کریم و سنت نبوی اصول علم تعبیر هستند

تمام مثل‌های قرآن کریم و سنت نبوی اصول علم تعبیر هستند برای کسی که در نظر و استدلال به آنها مهارت داشته باشد. امثال قرآن و سنت بیشتر از حدّ شمارشند. و اینک نمونه از آنها:

خرما: در خواب دیدن خرما روزی و سرور زندگی است. خداوند در شأن مریم علیها السلام می‌فرماید: ﴿وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا﴾ ﴿۲۵﴾ ﴿۲۶﴾ [مریم: ۲۵-۲۶].

«و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد! (از این غذای لذیذ) بخور؛ و (از آن آب گوارا) بنوش؛ و چشم‌ت را (به این مولود جدید) روشن دار.»

چوب: چوب به نفاق تعبیر می‌شود به خاطر توصیف منافقان به آن، در فرموده خداوند متعال: ﴿كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسَدَّدٌ﴾ [المنافقون: ۴].

«گوئی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند.»

چرت: چرت به امن تعبیر می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿إِذْ يُغَشِّيكُمْ
الْتُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ﴾ [الأنفال: ۱۱].

«و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود،
شما را فراگرفت.»

خنده: خنده بشارت است. خداوند می‌فرماید: ﴿فَصَحِحَّتْ فَبَشَّرْنَاهَا﴾
[هود: ۷۱] «خندید و ما به او بشارت دادیم.»

طلاق: طلاق به ثروت تعبیر می‌شود. ﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلاًَّ مِّنْ
سَعَتِهِ﴾ [النساء: ۱۳۰].

«(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند
هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی‌نیاز می‌کند.»

کشتی: کشتی به نجات تعبیر می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ
وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ﴾ [العنکبوت: ۱۵].

«او (نوح) و سرنشینان کشتی را نجات دادیم.»

آتش: آتش به مناسبت مبارک تعبیر می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿أَنْ بُورِكَ مَنْ
فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ [النمل: ۸].

«مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است (فرشتگان و
موسی)».

عسل: عسل شفاء است بوسیله دعاء شرعی. خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ
الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ﴾ [الإسراء: ۸۲].

«و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم.»

دشمنی: دشمنی مودت است بعد از سوء تفاهم. خداوند می فرماید: ﴿عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً﴾ [المتحنة: ۷].
 «امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبت برقرار کند».

آهن: آهن به قوت تعبیر می شود. خداوند می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾ [الحديد: ۲۵].

«و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است».
 سنگ: سنگ به سنگدلی تعبیر می شود خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾ [البقرة: ۷۴].
 «سپس دل های شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت تر».

قاعده سی و سوم: قرینه خواب تکیه گاه تعبیر است

معنی تأویل بوسیله این قرینه جستجو می شود.

مثال:

پرنده: پرنده اگر بر دوش یا گردن باشد، به عمل انسان تعبیر می شود. خداوند می فرماید: ﴿وَكُلٌّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾ [الإسراء: ۱۳].
 «و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم».

و اگر پرنده بر سر بود کار مهمی بر عهده می گیرد، و در آن رئیس می شود. خداوند می فرماید: ﴿وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَابٌ﴾ [ص: ۱۹].
 «پرندهگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه این ها بازگشت کننده به سوی او بودند».

و اگر پرنده از دهنش بیرون آمد، اگر صاحب خواب مریض یا مجاهد باشد به روح «مرگ» تعبیر می‌شود. و اگر سالم باشد تحذیر به سخنی بدی است که از او سر می‌زند. و اگر پرندگانی در منزل خود دید به ملائکه و صالحان جن تأویل می‌گردد. و اگر پرنده در جلو او سقوط کرد به بشارت سریع معنی می‌شود.

ماهی: ماهی اگر تر و تازه باشد زن است، و ماهی پخته روزی بدون زحمت است بنا بر داستان «مائده».

و ماهی شور سفر برای طلب علم است در سرزمین دریایی بنا به داستان حضرت موسی علیه السلام با خضر.

مار: دشمن است اگر هجوم کند، و در غالب در آن خیر است چنانکه در حدیثی که درباره «جن اهل مدینه که مسلمان شدند» آمده است. و به عداوت نزدیکان از نظر نسب و مکان مانند خادم مثلاً؛ تعبیر می‌شود. خداوند می‌فرماید: ﴿مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ﴾ [التغابن: ۱۴].

«بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید».

عقرب: عقرب دشمن فاسق است، بر طبق رنگ به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله: «قاتل الله العقرب ما تركت نبياً ولا غيره». «خدا عقرب را نابود کند که به پیامبر و غیره رحم نکرد».

سگ: سگ بر حسب رنگ، دشمن فاسق، پرحرف و جیغ و داد کن است، خداوند فرموده: ﴿إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثْ﴾ [الأعراف: ۱۷۶].

«اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می‌آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند».

فرود آمدن: فرود آمدن ذلت است. به دلیل فرموده خداوند: ﴿أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَصُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾ [البقرة: ۶۱].

«در شهری فرود آید؛ زیرا هرچه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد».

بالا رفتن: رفعت و پناه است به دلیل فرموده خداوند: ﴿سَّأَوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ﴾ [هود: ۴۳].

«بزودی به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند».

قاعده سی و چهارم: بیننده خواب سزاوارتر است نسبت به خواب خود
بیننده خواب سزاوارتر است نسبت به خواب خود از کسی که خواب به او دیده می‌شود هر چند سهمی در تعبیر داشته باشد:

خواب، مختص به بیننده خواب است هر چند برخی اوقات غیر او نیز می‌تواند استفاده کند. همچنانکه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «رؤيا الرجل الصالح يراها أو تُرى له جزء من ستة وأربعين جزءاً من النبوة». [البخاري: ۶۸/۸].

خوابی که شخص صالحی می‌بیند یا برای او دیده می‌شود، جزئی از چهل و شش جزء نبوت است.

مثال:

از ابن سیرین رحمته الله سؤال شد در مورد زنی که در خواب دختر مرده خود را دیده و به او گفته: دخترم! چه عملی را از همه نیکوتر یافتی؟ دختر گفت: ای مادر عزیزم! بر توست که گردو را بین مساکین تقسیم کنی!

ابن سیرین گفت: باید این زن، کنزی را که پیش خود دارد بیرون آورد و آن را صدقه دهد. زن گفت: استغفرالله العظيم. حقیقتاً کنزی نزد من است که آن را در زمان طاعون دفن کرده‌ام. [تفسیر الواعظ: ۳۹۶].

پس رؤیا مختص زن است، ولی دختر فوت شده‌اش نیز از صدقه‌ی او بهره‌مند می‌شود.

قاعده سی و پنجم: توافق جمعی بر یک رؤیا غالباً دلیل بر صحت آن است مادامیکه مخالف شریعت نباشد

امام بخاری رحمته این مسأله را بیان کرده تحت عنوان: «باب التواطؤ علی الرؤیا» و در تعیین شب لیله القدر پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «أری رؤیاکم قد تواطأت علی العشر الأواخر». [الفتح: ۳۷۹/۱۲].

«می بینم که خواب هایتان بر ده روز آخر توافق کرده است».

پس توافق، دلیل صحت رؤیا است به آن شرط مخالف شریعت نباشد.

قاعده سی و ششم: مخالفت رؤیا با شریعت، دلیل واضح بر بطلان آن است

رؤیا مصدر دریافت و تشریح نیست. چون از اعتقاد به چنین چیزی حجت بودن رؤیا در شرع و تجدید وحی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، لازم می آید. و این، محال بلکه باطل است.

مثال:

مانند؛ وصیت احمدنامی که ادعای خدمت حجره نبوی دارد و خیال کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او دستور داده که به عدد معینی کاغذ بنویسد و آن را پخش کند در غیراین صورت در معرض زیان قرار می گیرد. و مانند ادعای مهدویت در زمانی غیر از زمان آن. و مانند حادثه مشهور حرم در سال ۱۴۰۰ هـ. و مانند برخی از فرقه‌های گمراه که خواب را مصدري از مصادر تشریح قلمداد می کنند.

قاعده سی و هفتم: دلالات ارقام در احلام حجت است

چون ارقام یا رموز موقت هستند. مانند؛ داستان خواب دیدن پادشاه مصر که خداوند می فرماید: ﴿إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ عِجَافٍ﴾ [یوسف: ۴۳].

«پادشاه گفت: من در خواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می‌خورند».

گاوهای چاق سال‌های حاصلخیز، و گاوهای لاغر سال‌های خشک و قحطی است. و مانند خانمی که دید ماه داخل ثریا می‌شد، پس ابن سیرین گفت این زن گوید که من تا هفت روز دیگر از دنیا می‌روم.

اشعث گفت: هفت روز شماردیم و در روز هفتم ابن سیرین را دفن کردیم، چون ثریا هفت ستاره است، و مقصود به ماه عالم است، که ابن سیرین می‌باشد و داخل شدن در آن، مرگ اوست.

یا ارقام، رموز اشخاصی است. مانند آنچه که از وهب بن منبّه نقل شده است: یعقوب عليه السلام قبل از فقدان یوسف عليه السلام در خواب دید که ده گرگ یوسف عليه السلام را احاطه کرده‌اند و حضرت یعقوب بالای کوه است و یوسف در دشت و گرگ‌ها او را بین خود دست به دست می‌کردند. حضرت یعقوب از بالای کوه نگاه می‌کرد و دلش به او حال سوخت که ناگاه زمین شکاف برداشت و یوسف را در خود فرو برد و گرگ‌ها پراکنده شدند. به همین خاطر بود که به پسرانش گفت: ﴿وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ آلَ الدَّبِّ﴾ [یوسف: ۱۳].

«و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد».

این حدیث مرسل است و قول وهب از قبیل رأی نیست و شاید از اسرائیلیات باشد. عدد ده، برادران پدری یوسف عليه السلام هستند.

و به این ترتیب می‌توانید ارقام را جدا تعبیر کنید و غالباً ارقام، رموز موقتی هستند. مثلاً اگر مبلغی به اندازه «۲۱۰۵۰» به کسی داده شود. این اعداد تاریخی مشخص برای صاحب خواب است. پس صفر اعداد برداشته می‌شود و سپس اعداد بر عکس می‌شوند و از آن، تاریخ ۲۱/۵ در سالی که بیننده خواب در آن زندگی

می‌کند بدست می‌آید و تاریخ خیر و گشایشی برای او خواهد بود و احیاناً اعداد را جمع می‌کنند و از آن، تاریخ حادثه‌ای بدست می‌آید والله اعلم.

قاعدهٔ سی و هشتم: هر عصری تعبیر مخصوص به خود دارد و تعبیر بر حسب عصر و زمان صورت می‌گیرد:

مثال:

سفر از جای معلوم به جای نامعلوم در تعبیر گذشتگان مرگ است، اما در عصر ما به دلیل وجود هواپیماها به معنای کثرت سفر است.

و همچنین دیدن خانهای گلی در خواب نزد گذشتگان به معنای پناهگاه است اما در عصر ما به مسّ شیطانی تعبیر می‌شود. چون به خاطر بی‌نیازی انسان‌ها به خانهای گلی در این زمان، به دیار و مسکن شیاطین تبدیل شده است. و همچنین نماز بر بام کعبه نزد پیشینیان به معنی خروج از دین است، اما در عصر ما بدلیل وجود ساختمان‌های بلند در اطراف حرم به معنای أمن و قدر بلند صاحب خواب است، و همچنین دیدن الاغ، نزد پیشینیان به معنی روزی تأویل شده است، اما در عصر ما دلالت بر صفتی از صفات یهود می‌کند و آن حمل علم بدون عمل به آنست. پس باید زمان رؤیا رعایت شود.

قاعدهٔ سی و نهم: نکتهٔ قابل توجه در رؤیا، روش شما در تعبیر آنست، نه در بازگو کردن رؤیا

باید بر مضمون رؤیا احاطه شود، که در این صورت رؤیا یکی از حالات زیر می‌باشد:

۱- ظاهر و باطن آن پسندیده است: مانند اینکه ببیند در حرم طواف می‌کند که تعبیر آن، أمن و روا شدن نیاز است.

- ۲- ظاهراً پسندیده ولی باطناً نکوهیده: مانند اینکه ببیند که مالی می‌بخشد ولی تعبیر اینست که مالی را می‌گیرد.
- ۳- ظاهراً و باطناً نکوهیده است: مانند اینکه ببیند که ماری او را نیش می‌زند که تعبیرش آسیب چشم از فامیل نزدیک است.
- ۴- ظاهراً نکوهیده باطناً پسندیده: مانند ازدواج با محارم که تعبیرش نیکی و صله رحم است.

قاعدهٔ چهارم: تعبیر خواب از باب فتوی است

شرط معتبر آنست که بر کتاب خدا و سنت رسول او ﷺ آگاهی داشته باشد، به همین دلیل است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا فَلَا يُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا نَاصِحاً أَوْ عَالِماً». [صححه الألبانی: ۱/۱۸۶].

«اگر یکی از شما خواب دید آن را جز برای ناصح یا عالم بازگو نکند».

شیخ سعدی رحمته می‌فرماید: علم تعبیر از علوم شرعیه است که یاددهنده و یادگیرنده آن کسب ثواب می‌کند، و تعبیر خواب داخل در فتوی است^(۱).

خداوند متعال به نقل از حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: ﴿قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي

فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾ [یوسف: ۴۱].

«و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است».

باب سوّم: رویدادها

در این باب، نمونه‌های از کیفیت تعبیر از ناحیه معبرین حال و گذشته ذکر می‌شود. بی‌شک هریک از دو گروه، عصر خود و واقعیت موجود در زندگی خود را منعکس می‌کند. وقتی به تأویل گذشتگان دقت می‌کنیم در می‌یابیم که جزئیات آن، همان جزئیات عصری است که در آن بسر برده‌اند، زندگی ما، مملوّ از چیزهای شده است که در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان در حال تغییر و پیشرفت است. اگر اختصار را دوستی داری، اسم آن را تجربه‌ی زنده در دنیای واقعی بگذار.

پس نمی‌توان به کتب معبرین سابق اکتفا کرد و با روش آنان تعبیر را در دنیای کنونی پیاده نموده، بلکه باید معبر بدون غفلت از تجارب گذشتگان، تجارت مخصوص به خود را نیز داشته باشد، و باید بین روش قدیم و جدید یک نوع هماهنگی و ترکیب ایجاد کند، و در لابه‌لای این وقائع، و از طریق قواعد گذشته‌ی رؤیا، تعبیر را الهام بگیرد.

حوادث گذشته:

مثال اول:

روایت شده که ابوعمار الطیان نزد محمد بن سیرین رفت و گفت: در خواب دیدم که رمح و نیزه‌ای در دست دارم. ابن سیرین گفت: آیا در نوک آنها برجستگی مشاهده کردی؟ گفت: نه، ابن سیرین گفت که اگر بالای آن، برآمدگی می‌دیدي صاحب پسر می‌شدي، ولی صاحب دختر خواهی شد. سپس مدتی سکوت کرد و بعداً گفت: صاحب دوازده دختر خواهی شد.

محمد بن یحیی گفت: این خواب را برای ابوولید رضی الله عنه تعریف کردم ابوولید خندید و گفت: من پسر یکی از آنها هستم، و یازده خاله دارم و ابوعمار الطیان پدر بزرگم است.

تحلیل:

رمح و نیزه دو رمز متضاد هستند. بر رمح که رمز واضح است اعتماد می‌شود و به دلیل عدم وجود برآمدگی، معلوم می‌شود که رمح مؤنث است و سپس به دلالت قرآنی که مؤید این رمح است استدلال شده است.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَقُلْنَا أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ أُثُنَّا عَشْرَةَ عَيْنًا﴾ [البقرة: ۶۰].

پس گفتم: عصای خویش را بر سنگ بزن آنگاه دوازده چشمه از سنگ جوشید. پس استدلال شد که صاحب دوازده دختر خواهد شد. و امثال قرآن کریم همگی اصول تعبیر خواب هستند. قاعده «۳۲» دو رمز با هم جمع شدند و مقصود هر دو «رمح و عصا» یکی است و رمز اولی داخل دومی شد پس آنها نادیده گرفته نمی‌شود «قاعده ۳۱». رمح که قرینه است تکیه‌گاه تعبیر است، و بر مؤنث دلالت می‌کند و عین، از لوازم معنی است «قاعده ۳۳» هرگاه حمل رمز مجهول که رمح است بر معنی معلوم که تأنیث است به علت عدم وجود برجستگی ممکن باشد، از آن عدول نمی‌شود.

مثال دوم:

کسی نزد امام جعفر صادق آمد و گفت: من ظرفی از شیشه دارم که در آن غذا می‌خورم. در خواب دیدم که مورچه‌ای در آن است. امام جعفر فرمود: آیا زن داری؟ مرد گفت: بلی فرمود: غلام داری؟ گفت: بلی امام جعفر فرمود آن را از خانه‌ات بیرون کن که خیری در او نیست مرد غمگین به خانه‌اش برگشت و مسأله را با

همسرش در میان گذاشت زن گفت: چه تصمیمی گرفته‌ای؟ مرد گفت: تصمیم دارم او را بفروشم زن گفت: اگر او را فروختی من را هم طلاق بده. مرد غلام را فروخت و زن را نیز طلاق داد و بعداً زن، غلام را خرید و با او ازدواج کرد.

تحلیل:

رموز این خواب سه تا هستند: مرد، ظرف و مورچه

سؤال امام جعفر صادق علیه السلام از بیننده خواب، دلیل بر این است که شناخت حال و وضع بیننده خواب، قبل از تعبیر واجب است و ردی است بر هرکس که بدون شناخت تفصیل، خواب را تعبیر می‌کند.

غذا خوردن مرد در ظرف، دلیل جماع مرد با زنش است و ظرف شیشه‌ای کنایه از زن است، چنانکه در حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «و یحک أنجشة رفقاً بالقواریر». وای بر تو ای انجشه متوجه باش. و وجود مورچه در طعام و خوردن مورچه از آن، مشارکت در ناموس مرد است و مورچه، کنایه از دزد ضعیف است و این، قرینه‌ای است که تکیه‌گاه تعبیر قرار می‌گیرد. «قاعده ۳۳» و بر این، دلالت می‌کند که غلام با وجود ضعیفی‌اش در غفلت مرد ناموس او را می‌دزد و هیچ لفظ و قرینه‌ای از خواب، مستثنی نمی‌شود چون یک واقعه به هم پیوسته است که تجزیه به آن ضرر می‌رساند. «قاعده ۲۰»

قرینه مورد توجه، مشارکت مورچه ضعیف با مرد در خوردن طعام است. ﴿لَا يَحِطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النمل: ۱۸]. «سلیمان و لشکریانش بدون اینکه متوجه باشند شما را زیر پا نگیرند».

مثال سوم:

روایت شد که عبدالله بن زبیر رضی الله عنه در خواب دید که با عبدالملک بن مروان کشتی می‌گیرد و عبدالله، عبدالملک بن مروان را بر زمین می‌زند و او را با چهار میخ

بر زمین میخکوب می‌کند. وقتی صبح بیدار شد به خوابش اهمیت داد و کسی را نزد محمد بن سیرین فرستاد و گفت: خواب را برای ابن سیرین تعریف کند بدون اینکه بداند دو کشتی گیر چه کسانی هستند، وقتی مرد خواب را برای ابن سیرین بازگو کرد؛ ابن سیرین گفت: این، خواب خودت نیست و ممکن نیست کسی آن را ببیند، جز عبدالله بن زبیر و عبدالملک بن مروان. مرد انکار کرد و ابن سیرین گفت: خواب را تعبیر نمی‌کنم مگر اینکه حقیقت را بیان کنی. مرد نزد عبدالله بن زبیر برگشت و ماجرا را تعریف کرد. عبدالله گفت: برگرد و به ابن سیرین بگو من این خواب را دیده‌ام. ابن سیرین گفت: عبدالملک بر عبدالله غلبه می‌یابد و او را به قتل می‌رساند و بعد از عبدالملک چهار نفر از اولاد او به خلافت می‌رسند و این، تفسیر چهار میخ است. حقیقتاً همچنانکه او رحمته تعبیر کرده بود اتفاق افتاد.

تحلیل:

هر خواب مرموزی به ضدش تعبیر می‌شود مگر خوابی که به دلالت قرآن و سنت تعبیر شود که آنگاه از آنها عدول نمی‌گردد. «قاعده ۳»

و چون اینجا دلالتی وجود ندارد، حمل بر ضد می‌گردد. پس عبدالملک برنده کشتی و عبدالله بازنده آن اعلام می‌شود، و تعبیر بر اساس اختلاف انسان‌ها در هیأت و منزلت، مختلف است. «قاعده ۱۶»

میخ‌های زمین که کوه‌ها هستند باید به کسانی تعبیر شود که دارای ارزش و ولایت باشند و این، همان قرینه مورد توجه در تعبیر است. «قاعده ۳۳»

که با عبدالملک و عبدالله بن زبیر مناسبت دارد. و اعلام اینکه ملک و خلافت عبدالملک بعد از خودش به فرزندانش می‌رسد، به قرینه دیگری راجع است، و آن میخکوب کردن در زمین است که بر آن تکیه می‌شود. «قاعده ۳۳»

مثال چهارم:

پیامبر ﷺ در خواب دید که ابوجهل در بهشت خوشه‌ای خرما دارد. این خواب پیامبر را ﷺ نگران کرد تا اینکه عکرمه پسر ابوجهل مسلمان شد پیامبر خدا ﷺ فرمود: خوشه خرما همین است^(۱).

و همچنین پیامبر ﷺ در خواب دید که ولایت شهر مکه در دست اسید بن العاص کافر است، ولی بعداً ولایت آن به پسرش عتاب بن اسید رسید^(۲).

تحلیل:

هر خوابی که به دلیل وجود رموز متضاد تعبیرش دشوار گردید؛ مانند کفر ابوجهل و خوشه‌ای خرما برای او در بهشت، و ولایت اسید بن العاص کافر بر مکه؛ در چنین حالی به رمز واضح توجه می‌شود و کلّ رؤیا تعبیر می‌گردد و از آن، اراده جزء می‌شود. که در این مثال عکرمه و عتاب است. «قاعده ۳۰»

مثال پنجم:

مردی به ابن سیرین گفت: در خواب دیدم که شمشیر بران همراه خود دارم ابن سیرین گفت: صاحب پسر خواهی شد. مرد گفت: بعداً شمشیر کُند شد. ابن سیرین گفت: پسرت می‌میرد. در مورد سنگ در خواب از او سؤال شد. گفت: سنگ سنگدلی است، و از تخته سؤال شد گفت: تخته در خواب نفاق است^(۳).

۱- الإصابه ۴۹۷/۲.

۲- نکا: شرح السنة للبيغوي ۲۲۰/۱۲ - ۲۲۵.

۳- ابن شيبه در المصنف به شماره ۱۰۵۷۸ با سند خوب.

تحلیل:

از شمشیر برآن به پسر تعبیر می‌شود به دلیل قوت و بروز آن، به عکس شمشیر کُند که به معنای دختر است، و کُند شدن شمشیر برآن دلیل بر مرگ پسر است. «قاعدهٔ ۱» سنگ، سنگدلی و تخته نفاق است به دلیل قرآن کریم. «قاعدهٔ ۳۲».

رویدادهای معاصر

مثال اول:

زنی صالح در خواب دید که در یکی از مساجد جامع بر چهار صف نمازگزار مرد جلو افتاده و امامت می‌کند. یکی از معترین به او می‌گوید: که شما برای آدمیان تبدیل به الگو می‌شوی. و معبر دیگری می‌گوید: بعد از چهار روز دیگر بر شما نماز میّت خوانده می‌شود. پس برای ملاقات با خدای خودت خود را آماده کن. و بعد از آن، زن مال زیادی را صدقه داد و چندین مرتبه قرآن کریم را ختم کرد و بعد از چهار روز فوت کرد. رحمت خدا بر او باد!

تحلیل:

رموز این خواب عبارتند از: زن صالحه، تقدیم در نماز، صفوف چهارگانهٔ مرد و امامت مردم.

معتبر اول، از برخی رموز، مانند: تقدم در نماز و چهار صف نمازگزار مرد غافل شده و برخی دیگر را همچون صلاحیت، و امامت او، اعمال کرده است و رؤیا واقعهٔ متکامل و به هم پیوسته است که تجزیه کردن به آن ضرر می‌رساند. «قاعدهٔ ۲۰».

صوف چهارگانه از دلالات اعداد است که در رؤیا حجت است «قاعدهٔ ۳۷» و چون رمز امامت مخصوص مردان است و سزاوار زنان نیست، پس باید هیئات مردم و شأن آنها اعتبار شود «قاعدهٔ ۱۶» و چون اصل در نماز تأخیر زنان است، پس دو رمز متضاد حاصل می‌شود یکی امامت و دیگری شایستگی زن برای آن. و هرگاه

تعبیر خواب به دلیل وجود رمزهای متضاد مشکل گردید، به رمز واضح توجه می‌شود «قاعده ۳۰» که در این مثال، مقدم داشتن زن است تا بر او نماز خوانده شود چون مقدم داشتن این زن بر صفوف مردان، جز به این صورت ممکن نیست. و به این ترتیب این تعبیر باعث تجدید توبه و کثرت عمل صالح شد.

مثال دوم:

زنی در خواب دید که دخترش در خواب این آیات را تلاوت می‌کند: ﴿الْم ۱﴾
 غَلَبَتِ الرَّوْمُ ﴿۲﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيِّغْلُبُونَ ﴿۳﴾ فِي بَضْعِ
 سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدٍ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۴﴾ يَنْصُرِ اللَّهُ
 يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۵﴾ [الروم: ۱-۵].

«الم * رومیان مغلوب شدند * (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس از (این) مغلوبیت بزودی غلبه خواهند کرد * در چند سال، همه کارها از آن خداست؛ چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی)؛ و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد * به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است.»

زن نزد معبر رفت، معبر از حال و اوضاع زن پرسید. زن گفت که دختری داشته سیزده ساله و در غروب یک روز در سال ۱۴۲۰ در یکی از فروشگاههای بزرگ یکی از پایتختها او را گم کرده است. جستجو بوسیله نیروهای امنیتی در تمام گوشه و کنار این فروشگاه بزرگ که در زیر یک آسمان خراش قرار داشت، به عمل آمد، اما بی‌فائده بود و او را پیدا نکردند. معبر گفت: شما اهل این کشور نیستی. بشارت باد تو را! که بعد از نه روز از دیدن خواب او را پیدا می‌کنی در حالیکه هیچ آسیبی ندیده است و باید نیروی امنیتی جستجوی دقیقی را در زیرزمین‌های این فروشگاه به عمل آورند.

و سرانجام به فضل خدا بعد از نه روز او را داخل یک سرداب، دست بسته و دهان بسته یافتند و هیچ صدمه‌ای به او وارد نشده بود.

تحلیل:

رموز این خواب چهارتا هستند:

۱- شکست روم.

۲- نزدیک‌ترین سرزمین.

۳- پیروزی بعد شکست.

۴- چندین سال.

معبر از احوال بیننده خواب سؤال کرد و این، اصل در تعبیر است. «قاعده ۱۶» فهمید که زن اهل این سرزمین نیست بلکه در اصل رومی است و فهمید که برای او مصیبتی پیش آمده و در کارش شکست خورده است. و اینکه او در یکی از سردابها زندانی شده است اشاره است به قول خداوند: ﴿فِي أَدْنَى الْأَرْضِ﴾ و اینکه بعد از نه روز از خواب آزاد می‌شود، اشاره است به قول خداوند: ﴿فِي بَضْعِ سِنِينَ﴾ و بضع از هفت الی نه است و اعداد در احلام، بر معانی دلالت دارند. «قاعده ۳۷» و این دلالت می‌کند بر اینکه تمام مثال‌های قرآن اصول علم تعبیر هستند برای کسی که در نظر و استدلال به آنها مهارت داشته باشد. «قاعده ۳۲» و به خاطر دلالت قرآن، ممکن نیست معنای رؤیا عکس شود «قاعده ۳۰» و شرط معبر آن است که به کلام خدا آگاهی داشته باشد چون تعبیر خواب از باب فتوی است. «قاعده ۴۰». اگر لطف خدا و درایت و تیزهوشی معبر نبود، گشایشی برای این دختر و مادر حاصل نمی‌شد. والله اعلم.

مثال سوم:

زنی صالح در خواب دید که موجی از هوای گرم او را دنبال می‌کند تا اینکه در آشپزخانه مستقر شد. از معبری پرسید. گفت: این شیطان است که بر شما مسلط

شده است و گفت: باید قرآن بخوانی، زن به این تعبیر مطمئن نشد. از معبر دیگری پرسید. گفت: اجاق گاز را بررسی کن شما در خطری و این خواب هشدار است. زن اجاق گاز را جستجو کرد، دید که شلنگ گاز سوارخ است. خداوند نسبت به آن زن اراده خیر کرد، که آن خواب هشدار دهنده را به زن نمایاند. و به سبب این تعبیر مناسب از یک بلای بزرگ نجات یافت.

تحلیل:

رموز این خواب، عبارتند از: جریان هوا، حرارت آن، جریان هوای گرم که زن را دنبال می‌کند و استقرار آن در آشپزخانه.

تمام رموز معنی واحدی را تکمیل می‌کنند. خواب واقعه به هم پیوسته و تجزیه ناپذیر است «قاعده ۲۰» معبر اول، رموز را به جریان هوای گرم و تعقیب آن خلاصه می‌کند که از آنها معنی شیطان استخراج می‌کند.

و از رمز دیگر که استقرار جریان هوا در آشپزخانه است غفلت کرده، همچنانکه شایستگی زن را نادیده می‌گیرد، که تعبیر به اختلاف هیأت و منزلت افراد تغییر می‌کند «قاعده ۱۶» و اما معبر دومی به امثال قرآن که اصل از اصول تعبیر است اعتماد کرده است «قاعده ۳۲» و از قول خداوند کمک گرفته است که می‌فرماید:

﴿إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَأَحْتَرَقَتْ﴾ [البقرة: ۲۶۶].

«(در این هنگام،) گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد».

گردباد مقدمه اول، آتش مقدمه دوم، و آتش سوزی نتیجه هشدار دهنده است که خداوند زن را به خاطر شایستگی اش نجات داد.

مثال چهارم:

مردی در خواب دید که ماری بر در منزل او به خود پیچیده، با ظرفی که همراه خود داشت به مار زد. ترسان از خواب پرید. پیش معبر اول رفت و خواب را بازگو کرد. معبر گفت: بر شما قرضهای است و یکی از طلبکاران از شما می خواهد طلبش را پرداخت کنی. و در آینده پرداخت خواهی کرد، بیننده خواب گفت: هیچ دینی بر من نیست که آن را بپردازم. پیش معبر دیگری رفت و گفت: آیا شما راننده داری؟ گفت: بلی و گفت بدون دلیل از او نگرانی؟ مرد گفت: بلی. معبر گفت: آیا ناگهان احساس خستگی و سستی غیر طبیعی در خود می کنی؟ گفت: بلی، معبر گفت: راننده ات شور چشم است. رفع اثر چشم او کن و ظنّت را نسبت به او نیکو دار. پس از مدتی خستگی و نگرانی او بر طرف شد.

تحلیل:

رموز این خواب عبارتند از: مار، درب منزل و ضربه با ظرف. معبر اول فقط به رمز دوم که وجود مداوم طلبکاران بر در منزل است، نظر کرده و دو رمز دیگر را از نظر دور داشته است، حال آنکه رؤیا واقعاً به هم پیوسته است و تجزیه به آن ضرر می رساند «قاعده ۲۰» و به همین خاطر معبر به خطا رفت و بیننده خواب دین را انکار کرد. اما معبر دوم رأیش به هدف خورد چون از حال و اوضاع صاحب خواب سؤال کرد. طبق «قاعده ۱۶» و راننده را مخصوصاً ذکر کرد چون زیاد از منزل بیرون می آید و بنابراین زیاد بر در می ماند و مار قرینه است بر اینکه راننده شور چشم است ولی نفع او زیاد است. به همین دلیل گفت، گمانت را نسبت به او نیکو دار. چنانکه در حدیث جن مدینه آمده است. و قرینه در خواب تکیه گاه است. طبق «قاعده ۳۳» و از این معنی عدول نمی شود.

مثال پنجم:

مردی در خواب دید که یک خارپشت و یک گربه به او حمله کردند. مرد خارپشت را کشت. ولی گربه وارد منزلش شد و مرد ترسان از خواب پرید. مرد نزد معبر رفت و خوابش را بازگو کرد معبر از وضعیت صاحب خواب پرسید. مرد گفت: پسر کوچکی با چشمان بسیار زیبا دارم که ناگاه به بیماری چشم مبتلا شد. در بیمارستان متخصص چشم معاینه گردید و به من گفتند که پسرت به دو نوع سرطان عصب چشمی مبتلا شده که به سوی مغز در حال پیشروی هستند و باید برای جلوگیری از رسیدن سرطان به مغز پسر، هر دو چشمش تخلیه شود. زمان عمل، حداکثر یک هفته تعیین گردید و سپس از من درخواست امضاء کردند. و بعد از این، خواب را دیدم.

معبر گفت: عمل جراحی را به تأخیر بینداز و سپس گفت: آیا آنگاه که پسرت از درد چشم اظهار ناراحتی کرد، دو تا از دوستانش با او بودند که یکی ریش را اصلاح کرده و دیگری ریش و سبلیش را از ته زده بود؟ صاحب خواب گفت: بلی. و از یکی از آنان که چشمان زیبای پسر را توصیف می‌کرد شنیدم که گفت: اگر این چشمان مال یک زن بود، به ملکه‌ی زیبایی تبدیل می‌شد. و دیگری خندید. معبر گفت: برای رفع آسیب چشم آنان اقدام کن. ان شاء الله خدا شفایش خواهد داد. آسیب چشم، رفع گردید و پسر در کمال حیرت پزشکان کاملاً شفا یافت. این واقعه در سال ۱۴۱۷ هـ. روی داد.

تحلیل:

رموز این خواب عبارتند از: مجلس، گربه و خارپشت و حمله آنها و کشتن یکی از آنها.

سؤال معبر از صاحب خواب ضروری است، چون تعبیر بر حسب اختلاف هیأت و منزلت افراد تغییر می‌کند. طبق «قاعده ۱۶» و وجود این دو شور چشم در

مجلس صاحب خواب، دلیل بر اینست که آنها از نزدیکان او نیستند بنابراین معبرگفت: آنها از دوستان هستند. گربه اشاره دارد به قول پیامبر ﷺ: «إِنَّهُمْ مِنَ الطَّوَّافَاتِ عَلَيْكُمْ». «گربه‌ها، اطراف شما می‌چرخند». «مقصود از حدیث ران بودن گربه‌ها است».

و جز در مناسبات نمی‌آیند و نرمی گربه دلالت دارد بر آن شخصی که ریش را از ته زده بود، و زبری خارپشت دلالت دارد بر آن شخص که سر و ریش را اصلاح کرده بود.

و دلالت قرآن و سنت اصلی از اصول تعبیر است. «قاعده ۳۲» و به اصول رؤیا از نظر جنس، صنف و طبع استدلال کرده و آنها را اعمال نموده است. طبق «قاعده ۴».

پایان

قبل از اینکه این بحث را خاتمه دهم شایسته است که به فرموده امام مالک اشاره‌ای داشته باشم که از او سؤال شد: هرکس می‌تواند خواب را تعبیر کند؟ در جواب فرمود: آیا می‌شود نبوت را به بازی گرفت؟ سپس گفت: نمی‌تواند خواب را تعبیر کند مگر کسی که در آن مهارت داشته باشد. اگر نیکی دید آن را باز گوید و اگر بدی دید، سکوت کند یا خیر گوید^(۱).

شیخ سعدی رحمته می‌فرماید: علم تعبیر از علوم شرعیه است که یاد دادن و یادگرفتن آن ثواب دارد^(۲).

براین اساس بر بیان قواعد گذشته این علم شرعی که مورد بی‌مهری واقع گردیده حریض شدم. تا همچنانکه امام مالک فرمود، در فهم آن مهارت کسب کنیم. اگر توفیق حاصل شده و بر مراد دست یافته‌ام. خدایا سپاس تو گویم همچنانکه شایسته عظمت ذات تو و بزرگی سلطان توست. و اگر غیر اینست از خداوند بزرگوار آمرزش می‌طلبم که آنچه در توان داشتم بذل نموده‌ام.

والله أعلم و صلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

مادعوة أنفع یا صاحبی من دعوة الغائب للغائب
ناشدت الرحمن یا قارئاً أن تسئل الغفران للكاتب

۱- ابن ابی شیبیه در المصنف آورده به شماره ۱۰۵۷۸ و سند آن خوب است.

۲- تفسیر کلام المنان، (۶۶/۴).

ای دوستم هیچ دعائی سودمندتر از دعائی نیست که غائبی برای غائبی می کند تو را به خدا قسم می دهم ای خواننده‌ی کتاب! که برای نویسنده آن، طلب آمرزش کنید.

مؤلف / أبو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن السدحان

شهر طائف - رجب ۱۴۲۴ هـ

ص. ب / ۱۵۴۰۳۳ الرياض / ۱۱۷۳۶